

بررسی
مسائل
خانواده

محمد تقی صرفی پور

سرشناسه	:	صرفی پور، محمد تقی، ۱۳۴۴ -
عنوان و پدیدآور	:	بررسی مسائل خانواده / محمد تقی صرفی پور
مشخصات نشر	:	قم، صرفی پور، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۱۸۰ ص.
شابک	:	
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا.
یادداشت	:	کتابنامه؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	:	حقوق خانواده - جنبه های مذهبی - اسلام
موضوع	:	حقوق خانواده (فقه) - زناشویی (اسلام)
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۱ ب ۴ ص ۱۷ / BP 230
رده بندی دیویی	:	۲۹۷ / ۴۸۳۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۷۶۵۶۶۰
ISBN	:	978 - 964 - 6348 - 10 - 5

بررسی مسائل خانواده

تألیف:		محمد تقی صرفی پور
ناشر:		صرفی پور
چاپخانه:		صرفی پور
چاپ:		وفا (۲۵ ۶ ۲۵ ۲۵ ۰۹۱۲)
طرح و آماده سازی:		دوم - ۱۳۹۳
شمارگان:		گروه فنی چاپ وفا (۳۷۷۴۳۹۰۰ - ۰۲۵)
شابک:		۱۰۰۰ نسخه
قیمت:		۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۳۴۸ - ۱۰ - ۵
		۸۰۰۰ تومان
«کلیه حقوق محفوظ است»		

بررسی مسائل خانواده

محمد تقی صرفی پور

خانواده

حمد مخصوص خداوند جمیل و حکیم است و صلوات خدا بر افضل انبیاء حضرت محمد و خاندان با فضیلتش باد.

خانواده شامل پدر و مادر و فرزندان یکی از مقدس ترین نهادها در بین بشر است که اگر درست شود جامعه درست می و اگر نادرست باشد جامعه نادرست خواهد شد. قرآن کریم پیوند زناشویی را بعنوان عامل آرامش روانی و عامل ایجاد محبت و مودت بین زوجین می داند و آن را آیه و نشانه وجود پروردگار دانسته است.

همچنین قرآن کریم زن و شوهر را لباس هم معرفی کرده است یعنی همانگونه که لباس عیوب را می پوشاند و انسان را از سرما و گرما حفظ می نماید و زینت انسان است زوجین نسبت به هم باید این چنین باشند.

در روایات آمده که بزرگترین استفاده مرد مسلمان بعد از اسلام، داشتن همسری است که وقتی به او نگاه می کند خوشحال شود. وقتی به او کاری را واگذار می کند انجام دهد. وقتی نیست حافظ عفت خویش و حافظ اموال شویش باشد.

در جای دیگری می فرماید هیچ نهادی در پیشگاه الهی دوست داشتنی تر از پیوند زناشویی و نهاد خانواده نیست.

از طرفی اسلام صحنه خانواده را همچون صحنه جهاد دانسته بطوری که خدمت زن در منزل مجاهدت محسوب شده و ارزش دادن یک ظرف آب خوردن به شوهر را از یکسال روزه داری و شب زنده داری برتر می داند.

نهاد مقدس خانواده

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿21 روم﴾

از جمله نشانه‌های پروردگار آن است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا با ازدواج با او آرامش پیدا کنید و بین شما مودت و محبت قرار داد و این نشانه‌هایی برای متفکرین است.

نهاد خانواده از مقدس‌ترین نهادها و بناهایی است که در کره زمین وجود دارد. خانواده محور همه تلاشها و فعالیتهای بشر است. همه وزارتخانه‌ها برای خدمت رسانی به خانواده تشکیل شده و کار می‌کنند. مجلس و قوه قضائیه و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها حتی حوزه‌های علمیه برای خدمت به خانواده فعالیت می‌نمایند.

خانواده دارای سه رکن اساسی است. پدر، مادر و فرزندان.

هر کدام از این سه رکن وظایفی به گردن دارند که اگر درست انجام دهند خانواده به سعادت می‌رسد و اگر خانواده‌ها خوب عمل کنند، جامعه هم سعادت‌مند خواهد بود. برعکس اگر خانواده‌ها متزلزل شوند جامعه نیز دچار تزلزل خواهد شد.

رعایت حقوق همسر

تقریباً اکثر انسانها ازدواج می‌کنند و سالهای سال را با همسرانشان بسر می‌برند. این اجتماع کوچک خانواده که از دونفر شروع شده و با تولد احتمالی فرزندان کمی بزرگتر می‌شود،

نیاز به رعایت قوانینی دارد تا دچار آفتها نشود و همچنان مانند روز اول مستحکم، به مسیر خود ادامه دهد .

قوانین حاکم بر خانواده

1-وجود محبت بین زن و شوهر

2-سرپرست بودن شوهر

3-اطاعت زن از شوهر

4-مساوی بودن جایگاه زن با مرد در ارزشها و شخصیت

5-تامین نیازهای خانواده بعهده مرد است

6-شوهر با همسرش خوب رفتار کند

7- به مردان تذکر داده شده با همسرانشان مدارا نمایند

8- گفتگوهای اعضای خانواده باهم باید محترمانه باشد

9- باید هر دو درمقابل هم آراسته ظاهر شوند

10- مرد در امور خانه با زنش همکاری کند

قوانین حاکم بر خانواده از دیدگاه اسلام

قانون اول (وجود محبت بین زن و شوهر):

«از نشانه‌های پروردگار آنست که همسری از جنس خودتان خلق کرد تا با او به آرامش برسید. و بین شما مهربانی و محبت ایجاد نمود» (روم²¹)

از این آیه می‌فهمیم که عالترین هدف زوجیت، انس و الفت و مهربانی بین دو زوج می‌باشد. و این هدف فقط در بین انسانها تحقق پیدا می‌کند و در بین حیوانات نیست.

از این انس و الفت بین زن و شوهر است که روابط خویشاوندی و نسب را در میان انسانها برقرار می‌کند و خانواده‌ها بوجود می‌آیند و از روابط بین خانواده‌ها، زندگی اجتماعی و تمدن حاصل می‌شود.

این یک معجزه بزرگ الهی است که زن و شوهر قبل از ازدواج گاهی از کنار هم رد می‌شوند و یا باهم در مکانی روبرو می‌شوند هیچگونه علاقه نسبت به هم احساس نمی‌کنند و باهم بیگانه اند ولی وقتی باهم ازدواج کردند به هم علاقه مند شده و گاه تا مرز عشق و عاشقی پیش می‌روند و بهم می‌گویند: بدون تو من می‌میرم!

و در بعضی موارد اینگونه بوده است که وقتی مرد از دنیا رفته بعد از مدت کوتاهی گاهی هنوز چهل روز نشده زن هم از دنیا رفته است و برعکس هم اتفاق افتاده است.

و باید از این معجزه الهی چند نکته کلیدی را نتیجه گیری کنیم:

1- از این معجزه پی به وجود خالق حکیم و عظیم می بریم. خالق که ذره ای از رحمت بیکران خود را در وجود زن و شوهر قرار می دهد. و محبت بین زن و شوهر از طرف پروردگار ایجاد گردیده است. برای همین سفارش شده است شب زفاف، عروس و داماد در حجله دور کعت نماز بخوانند. و حضرت زهراء سلام الله علیها، در شب زفاف به همراه شوهرش تا صبح نماز خواندند. در حالی که متأسفانه در اکثر عروسی ها، شب زفاف، شب گناه کردن است. شراب می خورند. چشم چرانی می کنند. درست در دست نامحرم می گذارند. ترانه و موسیقی حرام پخش می کنند و انواع کارهای زشت دیگر انجام می دهند. در نتیجه این عروسیها مبارک نمی گردد!

2- نکته دوم اینکه باید زن و شوهر بهم محبت داشته باشند. و بهم ابراز علاقه کنند. و زندگی بانشاط و سروری داشته باشند و نگذارند مسائل جزئی یا کلی در بین آنها کدورت ایجاد کند. زن و شوهری که زندگی بانشاطی دارند حتما فرزندان بانشاطی خواهند داشت و زن و شوهری که زندگی با کدورت و عصبانیت و درگیری و نزاع دارند حتما فرزندان عصبی خواهند داشت.

مرد باید به همسرش محبت داشته باشد زیرا خداوند زن را موجودی عاطفی آفریده که وقتی شویش به او ابراز علاقه کند او هم در مقابل همه وجودش را فدای شوهر می کند. نباید مرد کاری بکند که زن را بگریاند و ناراحت کند. که خداوند عنایت خاصی به زنها دارد زیرا آنها زیر دست مرد هستند و از خود سرمایه و قدرتی ندارند. و همه زحمات فرزند داری و خانه داری به دوش آنهاست. لذا در روایت است:

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «انَّ الله تبارک و تعالی علی الاناث ارف منه علی الذکور وما من رجل یدخل فرحاً علی المرأةَ بینها و بینه حرمة الا وفرحه الله یوم القیامة».

خداوند تبارک و تعالی نسبت به زنها رووف تر از مردهاست و هر مردی که به فامیل محرمش خوشحالی برساند خدا در قیامت او را خوشحال خواهد نمود. (زن و عدالت اجتماعی).

پیامبر اعظم ص فرمود: جلوس المرء عند عیاله احبّ الی الله من اعتکاف فی مسجدی. نشستن زن کنار شویش از اعتکاف در مسجد من در نزد خدا بالاتر است.¹ آثار الصادقین ج 15 ص 293

.برای همین سفارش شده که دختر به مردی بدهید که باتقوا باشد زیرا از زنش را دوست داشته باشد به او محبت می کند و اگر دوست نداشته باشد او را اذیت نمی کند و نمی رنجاند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: عیال الرجل أسراؤه و أحب العباد إلی الله عزوجل أحسنهم صنیعا إلی أسرائه. (مکارم الأخلاق، الشیخ الطبرسی، ص 217)

همسر مرد همانند اسیران او هستند و محبوب ترین بنده در نزد خدا شخصی است که به اسیرایش بیشتر محبت کند.

قانون دوم: (سرپرست بودن شوهر)

خداوند در قرآن کریم فرمود: الرجال قوامون علی النساء (نساء 32) یعنی مردها سرپرست زنهایشان هستند.

در خانواده، پدر مسئولیت ویژه‌ای برعهده دارد که خداوند به عهده او گذاشته است و آن سرپرستی خانواده خویش می‌باشد. در کشور ما در بسیاری از خانواده‌ها مخصوصاً در زمان گذشته به این مسئولیت عمل می‌شد و پدر جایگاه خویش را داشت ولی اخیراً بدلیل شعارهای فمینیستی وزن گرائی بعضی و بدلیل تقلید از فرهنگ غرب و بدلیل عدم اطلاع شوهران از مسئولیت خویش، در بعضی از خانواده‌ها وضع برعکس شده است و با وجود حضور مرد، زن سرپرست خانواده می‌باشد!

اگر چه سرپرست بودن مرد، علامت برتری او بر زن در نزد خداوند نیست ولی با ایفای این مسئولیت توسط اوست که خانواده‌ها از فروپاشی مصون می‌مانند و اسیر عواطف زنانه نمی‌شوند و در حوادث مهم از ادامه مسیر باز نمی‌مانند

مردی که باید در مسائل مهم زندگی تابع زن باشد و در حقیقت زن تصمیم گیرنده است، از نظر اجتماعی و روانی دارای مشکلاتی می‌شود. مثلاً مرد تمایل دارد که بسفر بروند ولی زن مخالفت می‌کند و سفر انجام نمی‌شود. مرد دوست دارد فلان شغل را اختیار کند ولی زن آن را نمی‌پسندد. مرد می‌خواهد فلان مهمانی را بدهد ولی زن مخالفت می‌کند و برعکس مرد دوست ندارد زنش به فلان مهمانی برود ولی زن می‌رود! مرد دوست ندارد زنش فلان لباس را (نامناسب) بپوشد ولی زن می‌پوشد. مرد دوست ندارد زن فلان خرج را بکند و یا وسایل غیر ضرور را که بار مالی سنگین دارد بخرد ولی زن این کار را می‌کند! مرد دوست ندارد زن بدون اجازه او از خانه خارج شده و در زمانی که او به همسرش نیاز دارد، او در خانه نباشد ولی زن بدون اجازه بیرون رفته و این کار بارها و بارها تکرار می‌شود. و صدها نمونه از برآورده نشدن خواسته‌های مرد در خانه‌هایی که زن سالاری است. و این بتدریج به شکست این گونه خانواده‌ها کمک می‌نماید. اگر چه باید مرد هم به خواسته‌های شرعی و قانونی زن تن دردهد.

«به امام کاظم (ع) گفته شد: مردی به زنش می‌گوید که اختیار تو با خودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است. زیرا خدا این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی‌تواند این حق را از مرد بگیرد.

سپس امام آیه «الرجال قوامون على النساء...» را تلاوت فرمودند. (التهدیب الاحکام 88/8)

3- اطاعت زن از شوهر

با توجه به اینکه شوهر سرپرست خانواده است، زن باید مطیع او باشد تا قوام زندگی حفظ شود. زن نافرمان باعث بهم ریختن زندگی می شود. و در این خانه ها، فرزندان خوبی تربیت نمی شوند.

سخن پیامبر به یکی از زنان درباره وظایف زن

«رسول خدا (ص) به حواء که زیباترین زن بود، گفت:

ای حواء! اگر زنی با عصبانیت رویش را از شویش برگرداند، با خاکستر جهنم که بر چشمانش سرمه کشند، عذاب می شود.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی لباس شوهرش را پاره کند و یا مویش را بکند، میخهای آتشین جهنم بر کف دستهایش فروبرند.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هر زنی که بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود و در عروسی شرکت نماید، براو لعنت نازل شود و برای هر قدمش، چهل معصیت نویسند...

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی بدون اجازه شوهر خود در خارج از خانه نماز بخواند همان نماز را بر صورتش می زنند...

ای حواء! هر زنی که غیر روزه رمضان بدون اجازه شوهر روزه بگیرد، از گناهکاران است.

ای حواء! اگر زنی بدون اذن شوهر صدقه بدهد، برای زن گناه و برای شوهر ثواب می نویسند.

ای حواء! خلیفه خدا بر زن، شوهرش (شوهر مؤمن) است. پس اگر شوهر از او راضی باشد، خداهم از او راضی است و اگر ناراحت باشد، خداهم از او خشمگین می شود.

ای حواء! هر زنی که نمازش را بخواند و خانه دار باشد و از شویش اطاعت نماید، خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامزد.

ای حواء! زن نباید از شوهر کاری فوق طاقتش بخواهد و نباید شکایت او را به بیگانه و خودی ببرد.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، هر زنیکه در شدت و سختی و در راحتی و خوشی از شوهرش اطاعت کند، خدا او را با همسر حضرت ایوب (ع) محشور کند.

ای حواء! زینت خود را بر غیر شوهرت ظاهر ننما! ای حواء! حلال نیست که زن مچ خود را بر غیر شوهرش آشکار کند که اگر چنین کند، همیشه در لعن الهی خواهد بود.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به راستی به نبوت مبعوث نمود، حق مرد بر زن آنست که هرگاه او را بخواند، شویش را راضی کند. و هر

گاه امری به نماید، مخالفت نکند. و در حالیکه شوهرش از او ناراضی است، راحت در بستر ن خوابد اگر چه شوهر به او ظلم کرده باشد. و هر موقع شوهر او را برای هم خوابگی خواست، خود را از شوهرش منع نکند اگر چه بر جهاز شتر باشد.

ای حواء! بر زن واجب است که شوهر را از خود راضی نگه دارد و اگر شویش از او ناراحت شد، نه تنها نباید زن با غضب به شوهر نگاه کند بلکه باید خود را بر پای شوهر بیاندازد و ببوسد و بر سر و صورتش دست بکشد تا خدا هم از او راضی شود.

ای حواء! حق زن بر مرد این است که شکم زن را سیر کند و لباس برایش فراهم کند و به او نماز و روزه و زکات را بیاموزد.

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هر آینه در معراج در باز دید از جهنم دیدم که اکثر اهل جهنم زن‌اند. علت را از جبرئیل پرسیدم. گفت زیرا به نعمت کافر شده اند. زیرا هرگاه شوهر در تمام زندگی به اینها نیکی می نماید ولی یک کاری خلاف نظر آنها انجام دهد، می گویند ما از این مرد خیری ندیدیم!

ای حواء! حق مرد بر زن آنست که از خانه بیرون نرود و شوهرش را دوست بدارد و با او مهربانی کند و از ناراحت کردن او خود داری کند و به عهد او وفا نماید و به او اهانت نکند و سعایت او را ننماید و در مالش خیانت نکند و در حضور شوهر زینت کند و نمازش را بخواند و غسل جنابت و حیض و استحاضه خود را مواظب باشد و اگر این امور را بجا آورد در قیامت بصورت بکر و نورانی محشور میشود. پس اگر شوهرش جزء بهشتی ها باشد، این زن در بهشت هم همسر شوهرش می باشد و در غیر این صورت همسر یکی از شهیدان میشود.

ای حواء! در زمانیکه شوهرت نیست، خود را معطر نکن.

ای حواء! هر کدام از شما زنها، مؤمن به خدا و روز جزا باشید، نباید برای غیر شوهرش زینت کند و نباید چادر خود را بر غیر شوهر باز کند که در این صورت، دین خود را فاسد نموده است و خدا را به غضب در آورده است

ای حواء! برای هیچ زنی حلال نیست که پسر بالغی را بداخل اطاقش بیاورد. و نباید پر کند چشمش را از نگاه به آن پس و پسر هم نباید چشمش را پر از نگاه به زن کند و جایز نیست که با آن پسر سر یک سفره بنشیند و با او آب بخورد مگر اینکه به زن محرم باشد و در حضور شوهرش باشد. در این موقع عایشه گفت: یا رسول الله! اگر چه پسر، غلام باشد؟ فرمود: اگر چه غلام باشد.

ای حواء! هر زنی که برای شوهر چیزی بیاورد که او را خوشحال کند، در بهشت از هر رنگی، غذای بهشتی به زن می دهند و می گویند این در مقابل آن چیزی است که در دنیا انجام دادی. ای حواء! ...

در این موقع حواء عرض کرد: یا رسول الله! اینها حقوق مرد بر زن بود. زن چه حقی بر مرد دارد؟ فرمود: جبرئیل آنقدر درباره زنها بمن سفارش کرد که گمان کردم حتی اُف گفتن به زن جایز نباشد. و جبرئیل گفت: ای محمد! از خدا درباره زنان پروا کن. برای اینکه زنها در دست شما ضعیف هستند. آنها بر شما حق واجب دارند زیرا مضاجعت با ایشان برای شما حلال شده و برای اینکه زنهایتان، کودکان شما را در شکم خود حمل می کنند تا اینکه وضع حمل می کنند.

پس با آنان مهربانی کنید و دل آنها را بدست آورید و آنها را عصبانی نکنید و مهریه را اگر به آنها داده اید با زور از آنها پس نگیرید که در این صورت عذاب می شوید. پس هر مردی که به صورت زنش سیلی بزند، خدا دستور می دهد که مالک جهنم هفتاد ضربه در آتش بر او بزند. و هر مردی که دستش را برای زدن بر سر زن مسلمانی فرود آورد، خدا دو دست او را به میخهای آتشین جهنم می کوبد... «وسائل

حجابه ج 2 ص 947» و. (مستدرک الوسائل 14/274)

بهشتی شد

«امام صادق (ع) فرمود: در عهد رسول خدا (ص)، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برگشته‌ام از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر زن بیمار شد. این زن شخصی را خدمت پیامبر (ص) فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم بیمار شده است. می‌توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! چند روز بعد خبر رحلت پدرش را به او دادند. باز به پیامبر (ص) پیغام داد که آیامی‌توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند. وقتی شوهر از سفر آمد بازنش نزد پیامبر رفت. پیامبر (ص) به زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند تو و پدرت را آمرزد.» (مکارم الاخلاق/216)

(پیامبر ص فرمود: اگر شوهر از زنش ناراضی باشد، عبادت‌هایش قبول نمی‌شود تا زمانی که شوهر از او راضی شود) (من لایحضره الفقیه 14/4)

«روایت شده که زنی خدمت حضرت رسول (ص) آمد و از حق شوهر بر زن سؤال کرد. حضرت فرمود: آنقدر زیاد است که نمی‌توان همه آنها را گفت! ولی از جمله حقها آن است که زن بدون اجازه شوهر روزه مستحیی نگیرد و از خانه بیرون نرود و به نیکوترین بوهای خوش، خود را خوشبو کند و بهترین لباسهای خود را بپوشد و به بهترین زینت، آرایش کند و هر صبح و شب خود را بر شویش عرضه کند و اگر شویش قصد مقاربت داشت، ممانعت ننماید.» (فرشته زمینی)

«رسول خدا (ص): هر زنیکه شوهر او را برای جماع صدا بزند و او تأخیر کند تا اینکه شوهر بخواب رود، پیوسته ملائکه او را لعن کنند تا شوهر بیدار شود!». «(فرشته زمینی)

«زنی از رسول خدا (ص) پرسید: چه اجری در آمیزش شوهر با همسرش است؟ حضرت فرمود: چون شوهر نزد تو آید، دو ملک او را همراهی کنند و مانند کسی باشد که شمشیر خود را آماده نموده تا در راه خدا بجنگد. و چون با تو نزدیکی کند، گناهانش بریزد مثل برگ که از درخت بریزد و چون غسل کند، از گناهش بیرون آید.» «(فرشته زمینی)

رسول خدا صلی الله علیه و آله : جهاد زن، خوب شوهر داری کردن است. ^(میزان الحکمه 452/1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بیشترین کسی که بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسی که بر مرد حق دارد، مادرش است. ^(میزان الحکمه - الخصال 587/2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ملعون است! ملعون است! زنی که شوهرش را بیازارد و او را ناراحت کند. و سعادت مند است زنی که شوهرش را احترام نماید و در همه حالات مطیع او باشد. ^(کنز الفوائد 1501)

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر زنی که بر اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند سبحان ثواب حضرت آسیه را به او بدهد.»^۱ مکارم الاخلاق/213

«حسین بن علاء می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و از زنش شکایت کرد. امام فرمود: برو و زنت را بیاور! آن مرد رفت و با همسرش برگشت. امام به آن زن فرمود: شوهرت چه می گوید؟ زن گفت: خدا چنین و چنانش بکند! امام فرمود: اگر بر این حال بمانی و اخلاقت را با شویت درست نکنی، سه روز بیشتر زنده نمانی! زن گفت: می خواهم هرگز صورتش را نبینم! امام به آن مرد فرمود: دست زنت را بگیر و برو که بیشتر از سه روز زنده نمی ماند!

آن دو رفتند، بعد از سه روز آن زن از دنیا رفت»^۲ الخرائج والجرائح/611/2 (

جابر گفت: نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله بودیم که صحبت از زنان و برتری بعضی از زنان بر زنان دیگر شد. حضرت فرمود: من به شما بگویم؟ گفتیم: آری! فرمود: «بهترین زنان شما آنان هستند که بچه زا، بامحبت، با حجاب، عزیز در میان خانواده اش و مطیع در مقابل شوهرش، زینت کننده برای شوهرش و پوشیده در مقابل غیر شوهر باشند. آنانکه سخن شوهر را گوش داده و امرش را اطاعت نموده و در خلوت با شوهر خود را در اختیار شویش می گذارد و ...

سپس فرمود: آیا شمارا از بدترین زنانان آگاه نکنم؟ گفتند:

آری بفرمائید!

فرمود: بدترین زنان آنان هستند که در میان خانواده‌اش مطیع ولی در مقابل شوهرش مغرور و سخت است، عقیم و کینه‌ای بوده که وقتی شوهرش نیست، از زینتهای زشت دوری نمی‌کند! و هنگام خلوت با شوهر، خود را از او منع می‌کند، مانند مرکبی که از سوار شدن صاحبش جلوگیری می‌کند، عذر شوهر را نمی‌پذیرد و خطای شویش را نمی‌بخشد» (روضه الواعظین 375/2)

امام ششم علیه‌السلام: «بهترین زنان شما آن زنی است که هرگاه به او عطا می‌شود تشکر می‌کند و اگر به او ندهند نیز راضی باشد».

و فرمود: «بدترین زنان شما زن کم حياء، عبوس، فحاش و سخن چین است».
(بحار الانوار 240/100)

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «هرچه ایمان انسان بیشتر می‌شود، علاقه‌اش به زن نیز بیشتر می‌شود» (نوادر راوندی/12)

امام ششم علیه‌السلام: «زن قابل ارزش گذاری نیست! نه خوبش و نه بدش. اما زنهای خوب ارزششان طلا و نقره نیست، بلکه او از طلا و نقره بالاتر است. و اما زنهای بد، ارزششان خاک هم نیست! خاک از او بهتر است.» (الکافی 332/5)

شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا! آیا برای زن جهاد نیست؟ فرمود:

«آری، زن از وقت حامله شدن تا زائیدن و تا بچه را از شیر گرفتن، ثواب مجاهد در راه خدا را دارد و اگر در این بین بمیرد، مقام شهید را دارد».⁽²⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : «اگر زن پنج نماز خود را بجای آورد و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و دامن از ناپاکی نگه دارد و شوهرش را اطاعت کند، از هر دری که بخواهد می تواند داخل بهشت شود»

و فرمود: «زن صالحه از هزار مرد غیر صالح بهتر است». (3)

وظیفه اصلی زن این است که هر زمان شوهر به همسرش نیاز داشت، تمکین کند والا ناشزه می شود.

«عوامل نشوز زن که باعث می شود زن از حق نفقه محروم شود:

عدم تمکین از شوهر، ترک نظافت و آرایش خود، بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهر»
«خانمی به زن دیگری گفته بود. ما زنهای فلان محل زیاد به شوهرمان رو نمی دهیم! یعنی در بسیاری از مواقع که شوهر نیاز به زن دارد، زن به بهانه ای از این امر دوری می نماید و این یکی از علل چشم چرانی مردهای متأهل است که در منزل اشباع نشده اند لذا در خارج از منزل گرسنه و حریص می شوند!»

البته مردانی هستند که خیال می کنند زن کلفت اوست و باید همه کارهای خانه را انجام دهد و اگر در یک مورد کم کاری کرد زن را محاکمه می نماید! در حالی که زن وظیفه کار کردن در منزل را ندارد حتی می تواند برای شیر دادن به کودک از شوهرش مزد درخواست کند.

نماینده زنان در حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب و یاران نشسته بودند که اسماء بنت یزید انصاری، به حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: من نماینده زنان هستم تا از شما سؤالی بپرسم، و این فقط سؤال زنان انصار و مدینه نیست بلکه هیچ زنی در شرق و غرب عالم نیست مگر اینکه وقتی سؤال مرا بشنود، آن را می پذیرد. پس من در حقیقت نماینده همه زنان عالم هستم! پدر و مادرم و خودم فدای شما ای رسول خدا.

حقیقتاً خداوند سبحان شمارا به پیامبری بسوی زنان و مردان مبعوث نمود، ما هم به تو و خدایت، ایمان آوردیم، و بدرستی که ما زنان، خانه نشین و در حجاب و محدود هستیم. غرائز جنسی شما مردها را برطرف می کنیم و فرزندان شما را بزرگ می نمایم! آن وقت شما مردها چند امتیاز بر ما زنها دارید: شما در نماز جمعه و جماعت و عیادت مریضها و تشییع جنازه و حج پیایی و از همه بالاتر در جهاد شرکت می کنید! وقتی یکی از شما برای حج و عمره و جهاد، خارج می شوید، ما اموال شما را حفظ می کنیم، لباسهای شما را می بافیم، بچه های شما را بزرگ می کنیم در حالی که در اجر و ثواب کارهای شما شریک نیستیم!

در این موقع حضرت با تمام صورت به اصحابش متوجه شد و فرمود: آیا شما تاکنون زنی این چنین دیده اید که به این خوبی مسائل دینش را پرسد؟

اصحاب گفتند: ما فکر نمی کردیم زنی به این مرتبه برسد!

سپس پیغمبر به طرف آن زن توجه کرد و فرمود: ای خانم! خوب بفهم و به همه زنان اعلام کن! بدرستی که خوب شوهرداری کردن زن و جلب رضایت شوهر و موافق او عمل نمودن، مساوی و معادل همه این کارهای خیری است که مردان انجام می دهند!

آن زن در حالی که زبان را به لا اله الا الله بلند کرده بود نزد زنان برگشت.»^۱ میزان

الحکمة 2869/4^(۲)

صبر عجیب زن چادر نشین

اصمعی وزیر خلیفه عباسی در بیابان به خیمه ای رسید. زنی جوان و صاحب جمال درخیمه بود. اصمعی از او آب طلبید. زن گفت: شوهرم نیست و اجازه ندارم به شما آب بدهم. ولی اجازه شیر این بز بدست خودم است. زن از شیر به اصمعی داد. در این موقع یک سیاهی از دور پیداشد. زن گفت: شوهرم است که از صحرا برمی گردد. وقتی شتر سوار رسید، زن باستقبال او رفت و بر او سلام کرد، پاهای او را شست و... ولی هر چه زن محبت می کرد، مرد که قیافه زشتی داشت و یک پایش لنگ بود، با بد اخلاقی به او جواب می داد. تا اینکه مرد وارد خیمه شد و نگاه غضبناکی به اصمعی نمود و به آخر

خیمه رفت. اصمعی به زن گفت: حیف نیست شما با این امتیازات، با همچو مردی زندگی می‌کنی؟ زن گفت: من از شما که وزیر خلیفه هستی تعجب می‌کنم که می‌خواهی بین من و شوهرم جدائی بیافکنی! اگر من با این مرد زندگی می‌کنم برای این است که می‌خواهم به روایت پیامبر(ص) عمل کرده باشم که فرمود: ایمان دو نیمه است. نیمه‌ای شکر و یک نیمه‌اش صبر است. من خدا را بر نعمتهایش شکر گفته و بر سختی‌های زندگی صبر می‌نمایم. و امید به پادشاهای آخرت دارم.» (فرشته زمینی)

امّ سلمه از پیامبر دربارهٔ ثواب خدمت زن به شوهرش پرسید. حضرت فرمود:

«وقتی زن در خانه کار می‌کند و مثلاً وسیله‌ای را از جایی برمی‌دارد و در جای دیگر می‌گذارد، در این حال خداوند به او نظر می‌کند. و هر که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی‌کند.» (فرشته زمینی)

4- مساوی بودن جایگاه زن با مرد در ارزشها و شخصیت

در دین اسلام زن جایگاهی برابر با مرد دارد. همانطور که اگر مرد، عمل صالح انجام دهد و تقوا پیشه کند، رستگار است. زن نیز چنانچه پرهیز از گناه بکند، سعادت‌مند خواهد شد.

سه دلیل بر این مطلب وجود دارد:

1 - با توجه به اینکه ارزش هرانسانی به روح است، مرد وزن بودن نسبت به جسم معتبر است ولی روح مذکر و مؤنث ندارد. پس حقیقت انسان، نه مذکر است و نه مؤنث.

2 - مرد وزن بودن در ارزشها و ارزشمندا اثری ندارد. مثلاً آیاتی که علم را ارزش می‌داند و جهل را ضد ارزش، ایمان را ارزش می‌داند و کفر را ضد ارزش، عزّت و ذلّت، سعادت و شقاوت، فضیلت و رذیلت، حق و باطل، صدق و کذب، تقوی و فجور، اطاعت و عصیان، انقیاد و تمرد، غیبت و عدم غیبت، امانت و خیانت را بعنوان مسائل ارزشی و ضد ارزشی می‌داند، هیچکدام از این اوصاف نه مذکرند و نه مؤنث، زیرا موصوف این اوصاف، هرگز بدن نیست.

3 - در خطابات الهی هم، ذکورت و انوشت اثری ندارد . مانند: «کل امرء بما کسب رهین»⁽¹⁾
هر کسی در گرو عملش است .

«لَيْسَ لِلْأُنْثَىٰ نِصٌّ إِلَّا مَا سَعَىٰ» انسان فقط نتیجه تلاش خود را می بیند .

«أَنْتِ لَا أَضِيعُ عَمَلٌ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ»

من (خدا) عمل هیچ کسی را چه زن و چه مرد، ضایع نمی کنم .

و در مواردی که قرآن کریم با صراحت نام زن و مرد را می برد، علتش آنست که می خواهد افکار جاهلی قبل از اسلام را تخطئه کند . زیرا آنها عقیده داشتند که عبادت و فضائل مال مردهاست و بین زن و مرد فرق است .⁽²⁾

فرقی بین زن و مرد در عمل و پاداش نیست

با تفحص در قرآن کریم در می یابیم که در عبادت و عمل صالح و پاداشها فرقی بین زن و مرد نیست . از جمله:

(انّ المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات والقانتين والقانتات والصادقين والصادقات والصابرين والصابرات والخاشعين والخاشعات والمتصدقين والمتصدقات والصائمين والصائمات والحافظين فروجهم والحافظات والذاكرين الله كثيراً والذاكرات أعدّ لهم مغفرةً وأجرًا عظیماً).⁽³⁾

«همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان عابد و زنان عابده، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صبور و زنان صبور، مردان خاشع و زنان خاشعه، مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان حفظ کننده اندامهای خود از حرام

وزنان حفظ کننده، مردان بسیار ذکر گوینده و زنان ذکر گوینده، خداوند برای آنان
آمزش و پاداش عظیمی آماده نموده است.»

و یا در آیه:

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»⁽⁴⁾.

«نصیب مردان و زنان آنچه‌ای است که آنرا کسب می‌کنند.»

و یا در آیه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»⁽¹⁾.

هر مرد وزن مؤمنی که عمل صالح انجام دهد، ما به او زندگی پاک و بهترین پاداش
را به اعمال آنها می‌دهیم.

1. سوره طور، آیه 21.

2. زن در آئینه جلال و جمال الهی.

3. سوره احزاب، آیه 35.

4. سوره نساء، آیه 32.

و یا در آیه:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»⁽²⁾

روزی که (قیامت) می بینی نور مردان و زنان مؤمن، در پیش رو و سمت راستشان روشن می باشد. امروز بشارت باد بر شما به بهشتی که نهرها از زیر آنها جاری است و همیشه در بهشتند و این همان رستگاری عظیم است.

فرقی بین زنان و مردان مومن قائل نشده است.

1. سوره نحل، آیه 97.

2. سوره حدید، آیه 12.

5-تأمین نیازهای خانواده بعهدہ مرد است

وقتی مردی با زنی ازدواج می کند موظف است، همه نیازهای زنش را تأمین کند که شامل مخارج خورد و خوراک و لباس و مسکن و دارو و درمان است. و نباید در این کار مسامحه کند.

بعضی از مردها با اینکه وضعشان خوب است ولی نسبت به خانواده سخت گیری می کنند. خانمی می گفت شوهرم بازاری است ولی حاضر نیست هزینه ترمیم دندانهایم را بدهد!

مرد باید با مدیریت صحیح نگذارد خیلی برای خانواده مشکل مالی درست شود مخصوصا اگر دارا و متمکن است بخل نورزد.

خدا می فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ». (نساء، آیه 25).

یعنی باید مرد، نفقه همسرش را بدهد

پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند.

و باز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته شود..

امام کاظم ع فرمود: اسراف و سخت گیری در خرج نسبت به خانواده هر دو مکروه هستند.

و امام رضا ع فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشند. (مسند امام رضا ع 2/208)

6- شوهر با همسرش خوب رفتار کند

خدا می فرماید: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ». (سوره نساء، آیه 19) یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید.

مطلب فوق شامل مشارکت مرد با همسرش در خدمات خانه و استحباب وسعت در خردنی و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای خوب دربرگشت از سفر و در اعیاد و گذشت

خطاهایش و اینکه مرد هم بالباس خوب و بوی خوش با همسرش روبرو شود و عدالت در بین زنان اگر چند همسری باشد و ... می شود .

در روایت است که خدا رحمت می فرستد بر مردی که با زنش خوب برخورد کند و باز در روایت است هر مردی که با خانواده خود خوب تا کند خدا عمرش را زیاد می کند و در روایت است مردی که به زنش نیکی می کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند لئیم است.⁽⁶⁾

عاقبت بد اخلاقی با همسر

سعد بن معاذ، از فرماندهان سپاه اسلام، بشهادت رسید. رسول خدا (ص) تشییع با شکوهی از او بعمل آورد و خود شخصا او را دفن نمود.

بعد از دفن، مادر سعد خطاب به قبر گفت: ای سعد! بهشت بر تو گوارا باد! رسول خدا (ص) فرمود: این را نگو! گفت: چرا؟ فرمود: او الان فشار قبر سختی دید! سؤال کردند: برای چه؟ فرمود: او با خانواده خود بد اخلاقی می کرده است! (خانواده نمونه)

«پیامبر (ص): بهترین مردان امت من کسانی هستند که به اهل خانه خودستم نمی کنند و بر آنها رحم آورند و به آنها ظلم ننمایند» (خانواده نمونه)

اسلام به مردان تذکر داده که نیازهای عاطفی زنانشان را برآورده نمایند.

در روایت است: فاشفقوا علیهن و طیبوا قلوبهن (مستدرک وسائل ص 251)

با زنان مهربان باشید و دلهای آنان را پاکیزه و بدون آلودگی بنمائید.

در روایت است: خدا رحمت می فرستد بر مردی که با زنش خوب برخورد کند. رحم الله عبدا احسن فیما بینہ و بین زوجته (وسائل ج 14 ص 122)

در روایت است: هر مردی که با خانواده خود خوب تا کند خدا عمرش را زیاد می کند. من حسن برّه باهله زاد الله فی عمره (بحارج 100 ص 225)

در روایت است: مردی که به زنش نیکی می کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند لئیم است. (نهج الفصاحه ص 318)

در روایت است: هر چه قدر ایمان مرد بیشتر شود علاقه اش به همسرش بیشتر می گردد. (وسائل ج 14 ص 9)

در روایت است: قول الرجل للمرأة انی احبک لایذهب من قلبها ابدا (وسائل ج 14 ص 10)
اگر مردی به زنش بگوید تو را دوست دارم هرگز از قلب زن فراموش نمی شود.

7- به مردان تذکر داده شده با همسرانشان مدارا نمایند

حتما در طول زندگی، اختلافاتی بین زن و شوهر سر مسائل گوناگون پیش می آید. در این موارد باید باهم مدارا نمایند و همدیگر را تحمل کنند و از اشتباهات یکدیگر بگذرند. تا در استحکام خانواده خللی ایجاد نگردد.

«اسحاق بن عمار از امام ششم (ع) پرسید: حق زن بر شوهر چیست؟
امام فرمود: مرد باید شکم همسرش را سیر کند. بدنش را بپوشاند. اگر نادانی کرد از او بگذرد. ابراهیم خلیل از تند خوئی ساره به خداوند شکایت کرد! خدا به او وحی کرد: زن همانند استخوان دنده است! اگر بخواهی راستش بکنی، می شکند و اگر با او همچنان مدارا کنی، از او بهره مند می شوی!»
(خانواده نمونه)

8- گفتگوهای اعضای خانواده باهم باید محترمانه باشد

زن و شوهر باید مراعات یکدیگر را کرده و با ادبیات نرم با یکدیگر سخن بگویند و بهم پرخاش نکنند و حرمت هم را حفظ نمایند.

مردانی که عصبی هستند و زودرنج می‌باشند از زندگی لذتی نمی‌برند و همسر آنها از او در عذاب است!

همچنین زنانی که بد اخلاق و زبان دراز و عصبی هستند کاری می‌کنند که شوهر از منزل فراری می‌شود.

خانمی شکایت کرده بود که مدتی است شوهرم با من حرف نمی‌زند و مخارج من را بوسیله مادرش می‌فرستد. وقتی علت این کار را از مرد پرسیدند جواب داد چون از دست بد اخلاقی زن به تنگ آمده‌ام لذا با او قهر کرده‌ام.

گاهی بد اخلاقی زوجین کار را به جاهای باریک می‌کشاند. در خبرها آمده بود که مرد بیست و دو ساله‌ای همسر خود را به این علت که او را خر صدا زده بود با چاقو کشت.

می‌فرمایند که: خداوند اصلاً نسبت به زن‌ها رأفت بیشتری دارد. هر مردی که موفق شد خانم محرم خودش را دلشاد کند و اندوه او را برطرف کند، خداوند روز قیامت او را شاد می‌گرداند.⁽¹⁾

9- باید هر دو در مقابل هم آراسته ظاهر شوند

همانطور که زن باید خود را در مقابل شوهر بیاراید و آراسته باشد، مرد هم وظیفه دارد در مقابل زنش، آراسته باشد. لذا بزرگان دین ما همیشه خود را خوشبو می نمودند بطوری که یک سوم در آمد پیامبر اسلام ص خرج عطر می شد.

و بزرگان دین سفارش کردند که مرد باید در مقابل زنش آراسته باشد والا مشکلاتی پیش می آید همانطور که در بنی اسرائیل مردها آراسته نبودند و زنهایشان منحرف شدند.

در یکی از پرونده های خانواده، زن شکایت کرده بود که شوهرش می خواهد زن دوم بگیرد. مرد را خواستند و از او پرسیدند چرا می خواهی همسر دوم بگیری؟ مرد جواب داد این زن بر خورد خوبی بامن ندارد. از سر کار می آیم سلام می کنم جواب نمی دهد. کنارش می نشینم بجای بوی خوش، بوی پیاز و سیب زمینی می دهد! لباسهای نامناسب است با اینکه لباسهای خوب برای او خریده ام.

10- مرد در امور خانه با زنش همکاری کند

از نظر شرعی زن وظیفه ندارد کارهای خانه را انجام دهد تنها وظیفه او تمکین در امور جنسی اسا و اینکه بدون اجازه بیرون نرود. اما زنهای مسلمان اکثرا در خانه کار می کنند و زحمات زیادی را متحمل می کنند مخصوصا وقتی مهمان می آید یا عید می شود و باید خانه تکانی کنند لذا خوب است مرد تا آنجائی که می تواند به همسرش کمک نماید.

پیامبر اعظم ص: اگر مرد به زنش کمک کند پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او می دهند. و یک ساعت کار در خانه مساوی عبادت فراوانی است

مسائل مربوط به ازدواج

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»⁽⁴⁾

دختر و پسرهای صالح را بازدواج هم دریاورید که اگر فقیر باشند خداوند آنها را بی نیاز می کند و خداوند در روزی دادن بسیار بخشنده و همچنین بسیار دانا است.

یکی از مهمترین مسائل جوانان مساله ازدواج است. اگر این مساله درست انجام بگیرد باعث سعادت و اگر درست انجام نگیرد باعث مشکلات بزرگی خواهد شد. ازدواج نباید سخت صورت بگیرد بلکه باید آسان باشد. والدین دختران باید به خواستگاران سخت گیری نکنند. باید دختر در ابتدای نوجوانی ازدواج کند و به بهانه دانشگاه و ادامه تحصیل ، جلو ازدواج او گرفته نشود. باید افراد معتمد هر شهری بنشینند و بنیاد ازدواج تاسیس کنند و با استفاده از طرح ها و برنامه ها در ازدواج جوانان تسریع کنند. بعضی از جوانان وقتی نتوانند ازدواج کنند دچار افسردگی می شوند. از مردم و جامعه زده می شوند. گاهی با خدا قطع رابطه می کنند و در دین دچار شک می شوند... گاهی خیال می کنند بختشان بوسیله سحر و جادو بسته شده است و مشتری فالگیرها و دعانویس های کذاب می شوند. در حالی که این صحت ندارد.

اسلام عزیز دوش شرط برای خواستگار در نظر گرفته است یکی خوش اخلاق بودن و دیگری مومن بودن است.

چنانچه این دوش شرط موجود بود باید پدر دختر با ازدواج او موافقت کند که در این صورت جامعه در مسیر درست حرکتش را ادامه می دهد ولی اگر قبول نکنند و شرایط دیگری به عنوان یک فرهنگ در جامعه بوجود بیاید. شرایطی مثل شغل داشتن. وضع مالی خوب داشتن. مهریه سنگین و امثال آن.

در این صورت طبق روایات جامعه به دردی بی درمان مبتلا می شود که ما داریم آثار این درد را در کشورمان می بینیم. چندین میلیون زن بیوه به همراه چندین میلیون دختران سن بالا و ازدواج نکرده. از آن طرف چندین میلیون پسر سن بالا که تمایلی به ازدواج ندارند زیرا شرایط ازدواج ها سخت است و آنها هم چون شغل ندارند بعضا دنبال زن کارمند و شاغل می گردند. نتیجه این می شود که در هر خانه ای چندین پسر و دختر مجرد زندگی می کنند که نتوانسته اند برای نیازهای جنسی مشروع خود کاری بکنند. در این رابطه به چند روایت اشاره می نمائیم:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس از ترس فقر ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است. چرا که خداوند می فرماید: اگر آنان فقیر باشند خداوند از فضل و کرم خود بی نیازشان می کند.

(من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 251)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بیشترین اهل جهنم انسانهای بی همسر هستند.

(من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 251)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که مجردی را تزویج کند و امکان ازدواج او را فراهم نماید از کسانی است که در قیامت خداوند به آنان نظر لطف می کند.

(وسائل الشیعه، ج 20، ص 45)

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار می کند، و هر که با او به خاطر جمال و زیبایی اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می کند.

(وسائل الشیعه، ج 14، ص 31)

امام رضا علیه السلام (خطاب به دختران) فرمودند:

هنگامی که مردی از شما خواستگاری کرد که از دین و اخلاق او راضی بودید به ازدواج با او رضایت دهید. و مبادا فقر او تو را از این رضایت باز دارد و...

(میزان الحکمه، ج 4، ص 280)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وقتی که اشخاص هم شان به خواستگاری دختران شما آمدند، به آنها دختر دهید و در کار آنها منتظر حوادث نباشید.

(نهج الفصاحه، ص 37، ح 193)

شخصی از امام صادق علیه السلام سوءال کرد:

من می خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم. امام علیه السلام فرمودند: با زنی که خودت مایل هستی ازدواج کن، و زنی را که پدر و مادرت بدون رضایت تو انتخاب کرده اند، رها کن.

(تهذیب، الاحکام، ج 7، ص 392)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

از نشانه های برکت زن آن است که خواستگارش بی تکلف و آسان انجام گیرد.

(کنز العمال، ج 16، ص 322، ح 44721)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

شرابخوار اگر تقاضای ازدواج کرد قبول نکنید.

(وسائل الشیعه، ج 20، ص 79)

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

مهریه زن‌ها را سنگین نگیرید که موجب کدورت و دشمنی گردد.

(وسائل الشیعه، ج 15، ص 11)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر فرمود، دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام به همراه او بروند و شادی کنند، شعر و سرود بخوانند، تکبیر و حمد بگویند. و از گفتن حرف‌هایی که خدا بدان راضی نیست، پرهیزند.

(مستدرک الوسائل، ج 14، ص 198)

علی علیه السلام: مهرها را سنگین نگیرید که باعث دشمنی می‌شود. (بحار الانوار 237/100)

رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسی که مهر زنش را ندهد، در نزد خدا زناکار محسوب می‌شود! و خداوند سبحان در قیامت به او می‌گوید: بنده‌ام! کنیزم را برایت طبق عهدهی حلال نمودم ولی تو به عهدهت عمل نکردی! در این موقع خداوند سبحان حق زن را از مرد طلب می‌کند و از ثوابهای مرد به زن می‌دهد. و اگر همه حسنات مرد را داد ولی حق زن کامل نشد، خداوند سبحان امر می‌کند مرد را به جهنم بیاورد! (میزان الحکمه 3379/4)

«رسول خدا (ص) فرمود: زن تا زمانی که شوهر ندارد مسکین است گفتند: یا رسول الله! اگر چه پولدار باشد؟ فرمود: آری! سپس این آیه را تلاوت کرد: الرجال قوَّامون علی النساء...»

«رسول خدا(ص) فرمود: بهترین زنان آن کسی است که وقتی بتو(شوهر) نگاه می کند، تو را خوشحال نماید و اگر به او امر کردی، اطاعت کند و اگر نزدش نبودی، خود و مالت را از غیر محافظت نماید. سپس رسول خدا(ص) این آیه را تلاوت فرمود: **الرجال قوَّامون على النساء....**» (تفسیر منهج الصادقین- ذیل آیه 32 نساء)

نصیحتهای یک مادر به دخترش

«وقتی قرار شد که ایاس دختر عوف به خانه شوهر برود، مادرش او را این چنین نصیحت کرد: دخترم! تو از خانه ای که با آن انس گرفته ای به خانه ای ناآشنای روی. پس در برابر همسرت فروتن باش تا با او انس بگیری. و برای اینکه پشتیبان و کمک کار داشته باشی به این اندرزها عمل نما! اهل قناعت باش. دستورهای همسرت را بشنو و انجام بده. در برابرش خود را آراسته کن تا وقتی بتو نگاه می کند ناراحت نشود. خود را معطر کن تا بوی تو برایش بهترین بو باشد. هنگام گرسنگی از او با غذا پذیرائی کن زیرا در هنگام گرسنگی انسان در هیجان و ناراحتی است. هنگام استراحت او را یاری کن زیرا ممکن است از بی خوابی خشمگین شود. در نبودنش از مالش نگه داری کن. در کارها به او کمک نما. اسرار او را فاش نکن و گرنه مطمئن باش که در امان نخواهی بود. هنگام ناراحتی او نخند و هنگام خوشحالی او ناراحت نباش.» «زنان مرد آفرین ص 36»

امام رضا 7 فرمود: زنی به امام باقر 7 گفت: من متبتله هستم! حضرت فرمود: در نزد تو تبّتل به چه معنی است؟ گفت: یعنی تصمیم دارم که هیچگاه ازدواج نکنم. امام فرمود: چرا؟ گفت: می خواهم به این وسیله دارای فضیلت بشوم. امام فرمود: از این تصمیم برگرد! زیرا اگر در ازدواج نکردن فضیلتی بود، حضرت فاطمه 3 هم قبل از تو این کار را می کرد! زیرا هیچکس نمی تواند در فضیلتی از فاطمه 3 پیشی بگیرد. (فرشته زمینی)

امام علی(ع):

«سه صفت در مرد باعث نقص و در زن باعث کمال است. یکی خودخواهی است که اگر زن مغرور باشد، تن بکار زشت ندهد. دوم بُخل است که باعث می شود از مال شوهرش خوب مواظبت کند. سوم ترس است که بخاطر ترس، از فساد رویگردان شود.» (فرشته زمینی)

طلاق

«روایت شده که رسول خدا(ص) واسطه ازدواج زن و مردی شد. بعد از مدتی زن نزد حضرت آمد و از شوهرش شکایت کرد. حضرت فرمود: نکند که می خواهی طلاق بگیری؟ آنوقت نزد خداوند، از الاغ مرده، پست تر می شوی!» (فرشته زمینی)

تربیت فرزندان

وظایف مادر نمونه نسبت به فرزندان

بعد از ادای وظیفه زن نسبت به شویش، وظیفه مهم فرزند داری مطرح می شود. اهم این مسئولیت بشرح زیر است:

1- انعقاد نطفه در وقتی که نیکو است.

توصیه شده که زمانی که قرار است نزدیکی به منعقد شدن نطفه بیانجامد این عمل بابرنامه باشد.

آمیزش در مواقع و حالات زیر چنانچه منجر به انعقاد نطفه شود مکروه بوده و آثار زیانباری را در پی دارد:

روبه قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق ماه (شب چهارده) - در برابر آفتاب - عریان - ایستاده - در اول و وسط و آخر ماه که باعث جنون و جذام و صرع در مادر بچه می شود - بعد از ظهر که موجب قیچی می شود - صحبت کردن موقع آمیزش که موجب لال بودن بچه می شود - نگاه کردن به عورت زن که موجب کوری فرزند می شود - قرآن خواندن با حال جنابت - با یک دستمال تمیز کردن زن و شوهر خود را که باعث جدایی زن و شوهر می شود - نزدیکی در شب عید فطر که باعث شرور شدن بچه می شود - نزدیکی شب عید قربان که باعث نقصان در انگشتان بچه می شود - در زیر درخت که کودک قاتل می شود - بین اذان و اقامه - شب نیمه شعبان که کودک زشت می شود - دوروزمانده به آخر ماه - بالای پشت بام - در کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در موقعی که کودک در خانه باشد»

«در مورد آمیزش جنسی، طبق بیانات ائمه (ع) هر چه انسان با همسرش بیشتر آمیزش داشته باشد، مطلوب است و در این زمینه آمده است که کثرت آمیزش از سنت پیامبران است. علت این سفارش شاید بخاطر این باشد که زن و مردی که از راه حلال اشباع شده باشند، دیگر چشمشان بدنبال نامحرمان نخواهد بود مگر افرادی که مریض باشند.» (فرشته زمینی)

2- هنگام آمیزش با طهارت بوده و مسائل سفارش شده درباره آمیزش را رعایت نماید

«امام صادق(ع): در خانه‌ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل

زناکار می‌شود و یا فرزندی که بدنیا می‌آید، زناکار می‌شود.»

3- در ایام بارداری بر رعایت طهارت و عبادت مداومت نماید.

«شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه است. وقتی پس از سالها تحصیل و کوشش به مقام اجتهاد و زعامت نائل آمد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که فرزندت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده است.

آن مادر گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام پیامبری هم می‌رسید، تعجب نمی‌کردم، چه رسد به مقام اجتهاد!

مردم از شنیدن این سخن تعجب کرده و گفتند: مگر در تربیت فرزندت چه کرده‌ای که دیگران نکرده‌اند؟

مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحماتی که من در تربیت او کشیده‌ام، از حوصله شما بیرون است ولی به عنوان نمونه می‌گویم که هیچ گاه بدون طهارت و وضو پستان به دهانش نگذاشتم.

وقتی مادر شیخ رحلت کرد، دیدند که شیخ بر بالین مادر، زار زار می‌گریه. یکی از شاگردان در مقام دلجوئی گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی که دارید شایسته نیست بر بالین پیرزنی این گونه اشک بریزید!

شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای مادر پی نبرده‌اید! تربیت صحیح و زحمات فراوان مادر بود که مرا به اینجا رسانید! «الگوهای تربیت ص 36»

شیر مادر ناپاک

«یکی از بزرگان نقل می‌کند: چند روز قبل از شهادت «شیخ فضل الله نوری» در زندان با او ملاقات نمودم. به ایشان عرض کردم که پسر شما خیلی لایق است و بر ضد شما کار می‌کند. شیخ شهید فرمود:

این موضوع را از قبل می‌دانستم. و افزود: این پسر در نجف بدنیا آمد و مادرش شیر نداشت. از این رو، مجبور شدیم که برای شیردان او زنی را پیدا کنیم. زنی پیدا شد و این کودک مدت زیادی از شیر آن زن تغذیه کرد. اما ناگهان فهمیدیم که آن زن بسیار لایق و بی عفت است و کینه‌علی(ع) را به دل دارد.

از همان وقت دریافتیم که سعادتمند شدن این پسر، کاری بسیار مشکل است! «الگوهای تربیت ص 41»

اثر الکل بر کودک

«زنی در حالیکه کودک فلج و ناقص و کوری در آغوش داشت، نزد رسول خدا آمد، و گفت: ای پیامبر خدا! مگر نمی‌گویید که خدا عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند؟ فرمود: آری.

زن گفت: اما خدا به من ظلم کرده و چنین کودکی به من داده است!

پیامبر لحظه‌ای درنگ نمود و سپس فرمود: آیا شوهرت هنگام آمیزش باتو، شراب خورده بود؟

زن پاسخ داد: آری!

حضرت فرمود: پس جز خودت، کسی دیگر را سرزنش نکن! «الگوهای تربیت ص 37»

4- در ایام بارداری از دعوا و درگیری و جوش و خروش بپرهیزد.

روانشناسان گفته‌اند که آرامش مادر در دوران بارداری به آرام بودن اعصاب فرزند کمک شایان می‌کند و مادرانی که در دوران حاملگی درگیری فکری و آشوبهای ذهنی دارند، فرزندان عصبانی و اهل خشونت و دعوا بدنی می‌آورند.

5- در ایام بارداری و در دوران شیرخوارگی نوزاد، از لقمه حرام و از استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی دوری کند.

آثار لقمه حرام و یا شراب در بدن انسان بسیار بد است و باعث انحراف انسان از فطرت پاک می‌گردد و همچنین استعمال مواد مخدر در هر انسانی آثار مخربی ببار می‌آورد حال اگر مادر باردار این اعمال را انجام دهد این آثار زیانبار به کودک منتقل می‌شود. و سلامت جسم و جان او را به خطر می‌اندازد.

6- در ایام بارداری از معاشرت زیاد با مردم دوری کند و بیشتر با شوهرش باشد.

با تجربه ثابت شده است که اگر زن در دوران بارداری بیشتر به شوهرش نگاه کند و با او باشد، کودک شکل و شمایل پدرش را بخود می‌گیرد.

7- بعد از تولد علاوه بر گفتن اذان و اقامه در گوش کودک، و دادن عقیقه کودک، در هنگام شیردادن به نوزاد حتی المقدور با طهارت باشد.

وقتی زن پاک و طاهر باشد و غسلهای واجب خود را انجام دهد و در هنگام شیر دادن به کودک خود، با وضو باشد این امر آثار مثبتی در روح و روان کودک می‌گذارد و برخلاف زنانی که

اکثراً در حال جنابت بسر می برند و غسلهای خود را انجام نمی دهند و همیشه ناپاکند چه انتظاری می رود که فرزندانشان خوب بار بیایند.

8- در اسم گذاری فرزند از نامهایی که اسلام سفارش کرده است استفاده نماید.

«رسول خدا(ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.» (خانواده نمونه)

مسئول فرهنگی سفارت ایران در نروژ:
وقتی رهبر کمونیست نروژ مسلمان شد، بعد از مدتی «آنا بریت» همسرایشان با من تماس گرفت و گفت: می خواهم مسلمان شوم.

من شکفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنا بریت گفت: من چادر می خواهم!
گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می خواهی؟ (چرا که ترسیدم با جوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی ها را نداشته باشد).
اما او باز هم تأکید کرد:

می خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سمبل من بوده اند
شهادتین را بگویم.

به او گفتم: چه اسمی را انتخاب کرده اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده ام دیدم حضرت زینب -سلام الله علیها- زن
صبور، مقاوم و کاملی بوده است.» (عصر امام خمینی)

9- کودک را با خود به مساجد و مجالس سوگواری امام حسین(ع) و دیگر مجالس مذهبی ببرد.

کودکانی که در زیارتگاهها و مراسم موالید و عزاداری اهل بیت(ع) و مساجد حضور می یابند، از برکات این مجالس مستفیض خواهند شد و علاقه به اهل بیت(ع) در وجود آنها ریشه پیدا می کند و گاه آثار مثبت مهمی در زندگی آنها بجا می گذارد.

«حضرت زهرا(س) برای اینکه فرزندانش در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می خواباندند و همچنین موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می برد، آب به صورتش می زدند. تا از فیض شب قدری بهره نمانند.» (خانواده نمونه)

(امام باقر(ع) بعد از نماز صبح نمی گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می فرمودند قرآن بخوانند و هر که بلد نبود می فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت) (خانواده نمونه)

10- خود نماز بخواند و فرزندش را هم به نماز سفارش کند.

«رسول خدا(ص): نخستین چیزی که در قیامت از زن می پرسند، نماز است و سپس درباره شوهرش (اگر ازدواج کرده بوده) که چگونه باشوهرش رفتار می نموده است.» (خانواده نمونه)

11- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در مناسبتهای مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود.

حجاب دختر تا اندازه زیادی به حجاب مادر و طرز فکر و تقید مادر به حجاب بر می گردد. چه بسا مادرانی که خود حجابی دارند ولی از کودکی دختران خود را همچون عروسک! زینت و آرایش نموده و با خود در کوی و برزن و مجالس عروسی و مهمانی ها به نمایش می گذارند اما نمی دانند که چگونه دختر خود را از راه عفت و حیا دور کرده و او را به انحرافات سوق می دهند.

12- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند.

از برکات نظام جمهوری اسلامی ایران این است که صدها کودک حافظ کل قرآن و هزاران نوجوان آشنا به قرآن تربیت کرده است. مادر باید در مورد تعلیم قرآن به فرزندش همواره تأکید و جدیت داشته باشد همانطور که در مورد لباس و غذای کودک توجه دارد.

«پیامبر(ص): هر که در کودکی قرآن بخواند، به حکمت دست یافته است.»

13- در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.

«یکی از مسئولین نیروی انتظامی: 75 درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می دهد.»

متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله سی دی ای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صد درصد بر معاشرت

فرزندان اعم از دختر و پسر نموده ولحظه‌ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهنه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدتها زحمت می‌کشد تا گلهايش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم‌پوشند و مواظب روحيات فرزندان باشند.

14- به فرزندان محبت کند تا گول محبت‌های ظاهری دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند!

«رسول خدا(ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می‌کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، بر تن آنان می‌نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می‌شود.»
(خانواده نمونه)

«رسول خدا(ص): فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.» (خانواده نمونه)

«رسول خدا(ص): کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می‌برد.» (خانواده نمونه)

اگر چه اکثر مادران به فرزندان محبت دارند و کم هستند مادرانی که بخاطر لذت نامشروع، فرزندان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند ولی باید این محبت متعادل باشد و اگر از حد خود خارج شد، عواقب سوئی ایجاد می‌نماید. محبتها و تنبیه‌ها و تشویق‌ها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید و الا آثار خطرناکی بر روحيات فرزند وارد می‌کند. به نامه یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه‌ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دو نفر از دوستانم در یکی از خانه‌های نارمک تهران سرگرم دزدی اثاث خانه‌ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می‌خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می‌خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم: تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی‌های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کورکورانه مرا به روز سیاه نشاند. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می‌خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دویدی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفتی: این پسر کوچولوی من است! و هر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می آمدم، اما تو چیزی از من نمی پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان می کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می کنم، مانع من نشدی و فقط گفتی: کاری نکن که پدرت بفهمد!

مادر! من تو را می بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره برادر کوچکم نکن! «کیهان ش 6458»

آثار سوء بی توجهی والدین در تربیت فرزندان شان را باید در کوچه و بازار و در بدحجابی و لنگاری دختران و در پوشیدن لباسهای غربی پسران و در ایجاد مزاحمت های خیابانی برای دختران و در زند آنها و آثارهای دزدی و قتل و تشکیلات باندهای مخوف و باندهای فساد اخلاق به وضوح مشاهده نمود! که گاهی پدر و مادر یک جوان قاتل انگشت به دهان می گیرند که چرا این جور شد؟! چطور فرزندان ما مرتکب این قتل و جنایت شد؟! درحالی که عامل اصلی جرمهای جوانان وادین هستند. آنها در تربیت فرزندان کوتاهی کردند. و باید خودشان را سرزنش نمایند.

15- خود راستگو و متواضع و سخاوتمند و عقیف و با حجاب و شوهردار و طالب علم و امانتدار و اهل صله رحم و... باشد تا فرزندانش نیز این چنین باشند.

«وقتی در قم، مادر سه شهید در تشییع فرزند سومش حاضر شده بود، در میان بانوان و در مقابل جنازه فرزند شهیدش، ایستاد و سخنرانی کرد. نخست خطاب به جنازه، این بیت را خواند:

بشکست اگر دل من بفدای چشم مستت سر خُم می سلامت، شکند اگر سبویی یعنی: امام به سلامت باشند، دل شکسته ام به فدای چشمهای تو.

بعد چنین گفت:

پسرم! نور دیده ام... سومین پسر من بودی که تو را نثار راه قرآن نمودم. امروز، نخستین روز بهار به دیدار گل ارغوانی و پرپر ام آمده ام، پیکر دوبرادر شهیدت را سال قبل دیدم، برای دیدار پیکر تو، نخست اجازه نمی دادند، ولی وقتی دیدند، صبر و استقامت من خوب است، اجازه دادند، من وقتی پیکر تو را دیدم، از ته دل خشنود شدم که (به دلخواه من شهید شدی) زیرا دلم می خواست تو در راه خدا قطعه قطعه شوی و چنین شد.

سپس این بانوی شجاع دستهایش را بطرف آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدایا! تو را شکر و سپاس می گویم که فرزندم در این آزمایش الهی، این گونه، سرافراز و پیروز و روسفید، بیرون آمد...» «زنان مرد آفرین ص 208»

16- آئین شوهرداری را به دخترانش آموزش دهد.

مادر باید شوهر داری را به دخترانش یاد دهد تا آنها با استفاده از تجربیات چند ساله او زندگی موفق داشته باشند.

«وقتی قرار شد که ایاس دختر عوف به خانه شوهر برود، مادرش او را این چنین نصیحت کرد:

دخترم! تو از خانه ای که با آن انس گرفته ای به خانه ای ناآشنای روی. پس در برابر همسرت فروتن باش تا با او انس بگیری. و برای اینکه پشتیبان و کمک کار داشته باشی به این اندرزا عمل نما!

اهل قناعت باش. دستوره‌ای همسرت را بشنو و انجام بده. در برابرش خود را آراسته کن تا وقتی بتو نگاه می‌کند ناراحت نشود. خود را معطر کن تا بوی تو برایش بهترین بو باشد. هنگام گرسنگی از او با غذا پذیرائی کن زیرا در هنگام گرسنگی انسان در هیجان و ناراحتی است. هنگام استراحت او را یاری کن زیرا ممکن است از بی‌خوابی خشمگین شود. در نبودنش از مالش نگه‌داری کن. در کارها به او کمک نما. اسرار او را فاش نکن و گرنه مطمئن باش که در امان نخواهی بود. هنگام ناراحتی او نخند و هنگام خوشحالی او ناراحت نباش.» (خانواده نمونه)

17- اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش آمد، مانع تراشی نکند.

طبق آمار تازه، در حال حاضر 3/5 میلیون دختر شوهر نکرده در ایران زندگی می‌کنند. و همین آمار درباره پسران مجرد نیز صدق می‌نماید. راستی با وجود غریزه جنسی در جوانان و وجود همسران هم‌شان چرا باید این جوانان مجرد زندگی بکنند و گرفتار آثار سوء مجرد بودن باشند؟ آیا غیر از رسم و رسومات غیر اسلامی و غیر واقعی، مانع دیگری است؟ مهریه‌های بالا! خرج‌های سنگین! بهانه‌های مختلف! که متأسفانه به خانواده‌های متدین و مذهبی هم سرایت کرده است و حتماً باید در تالارها و هتل‌های گران قیمت مراسم را برگزار نمایند. ولی اسلام عزیز این رسومات را قبول ندارد.

«امام رضا (ع): اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می‌کند» (خانواده نمونه)

و پیامبر (ص) فرمود: اگر کسیکه از دین و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می‌آید! (خانواده نمونه)

18- فرزندان را به ازدواج هم‌شان خودشان در بیاورد.

«دختر و پسر از خانواده متدین باید با هم‌شان خود ازدواج کنند و دختر و پسر از خانواده بی‌اعتنا به دین نیز همچنین.

«والطبیات للطیبین والخبیثات للخبیثین» نور 26

دختر پاک و مؤمن برای پسر پاک و مؤمن و دختر ناپاک و بی‌دین برای پسر ناپاک و بی‌دین لایق هستند.»

19- دخترش را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر ندهد!

مادر نباید گول عناوین و ظواهر و پول و ثروت داماد و خانواده‌اش را بخورد و بدون توجه به رعایت مسائل اخلاقی از طرف داماد، دخترش را به خانه آلوده بفرستد.

«دختری بعد از دوماه عروسی به خانه پدر برگشت و اعلام کرد که متوجه شده شوهرش معتاد است و او بزور طلاهایش را گرفته و فروخته است. وبا گریه می گفت که بعد از دوماه بیوه شدم! اگر علت این مسئله بررسی شود مشخص می شود که متأسفانه پدر و مادر دختر در هنگام خواستگاری داماد! بفکر نماز و تدین داماد نبودند و فقط چشم به ظواهر زندگی او و قدرت مالی و قیافه ظاهری او داشته اند

لذا باید تاوان سنگینی را برای این بی توجهی بپردازند!»
«پیامبر (ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.»
(خانواده نمونه)

«امام رضا (ع): اگر دختر به شرابخوار بدهید، گویا او را به زنا و ادا داشته اید!» (خانواده نمونه)

و...

وظایف مردان:

1- انتخاب همسری شایسته برای خود.

او باید برای خود زنی را انتخاب کند که علاوه بر زیبایی ظاهری و مهریه کم، دارای اخلاق حمیده و ایمان و تقوا باشد. زیرا او قرار است مادر فرزندان او شود پس ببیند چه کسی را برای این کار انتخاب می کند.

«امیر مؤمنان علی (ع): در آخر الزمان که نزدیک قیامت و بدترین زمانهاست، زنانی پیدا بشوند که خیابان گرد، از دین بیگانه، دنباله رو فتنه ها و هوسها و پیرو شهوات و شتابان بسوس لذتها و حلال کنده حرامها باشند! اینان به دوزخ گرفتار ابدی شوند.» (خانواده نمونه)

«رسول خدا (ص): از گلهای لجنزار پرهیزید! گفتند: گلهای لجنزار چیستند؟ فرمود: زنان زیبا که در خانواده های پست و بد تربیت شده اند.»
(خانواده نمونه)

«از جمله دعاها ی رسول خدا (ص) این بود: خدایا! بتو پناه می برم از زنیکه قبل از اینکه پیرشوم مرا پیر کند!» (خانواده نمونه)

«امام صادق (ع): زن قلاده است پس دقت کن چه قلاده ای به گردنت می بندی!» (خانواده نمونه)

2- دوری از انحرافات اخلاقی قبل و بعد از ازدواج

3- رعایت سفارشات اسلام در مورد آمیزش جنسی

«آمیزش در مواقع وحالات زیر چنانچه منجر به انعقاد نطفه شود مکروه بوده و آثار زیانباری را

در پی دارد:

روبه قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق ماه (شب چهارده) - در برابر آفتاب - عریان - ایستاده - در اول و وسط و آخر ماه که باعث جنون و جذام و صرع در مادر بچه می شود - بعد از ظهر که موجب قیچی می شود - صحبت کردن موقع آمیزش که موجب لال بودن بچه می شود - نگاه کردن به عورت زن که موجب کوری فرزند می شود - قرآن خواندن با حال جنابت - با یک دستمال تمیز کردن زن و شوهر خود را که باعث جدایی زن و شوهر می شود - نزدیکی در شب عید فطر که باعث شرور شدن بچه می شود - نزدیکی شب عید قربان که باعث نقصان در انگشتان بچه می شود - در زیر درخت که کودک قاتل می شود - بین اذان و اقامه - شب نیمه شعبان که کودک زشت می شود - دوروزمانده به آخر ماه - بالای پشت بام - در کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در موقعی که کودکی در خانه باشد» (فرشته زمینی)

4- کمک به همسر برای رعایت آداب ولادت و نامگذاری و ولیمه

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»

«رسول خدا (ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»

«رسول خدا (ص): فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنستکه در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنستکه برای فرزندش نام نیکو بگذارد و آداب نیکو به او بیاموزد و قرآن را به او تعلیم نماید.» (خانواده نمونه)

«امام هفتم (ع): اولین نیکی انسان به فرزندش، گذاشتن نام نیک بر او است.» (خانواده نمونه)

5- محبت به فرزندان و همراه بردن فرزندان به تفریحات سالم

محبت والدین به فرزندان باعث استحکام خانواده می شود و چشم آنها را بر محبتهای ظاهری خارج از خانه می بندد.

«رسول خدا (ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده

ودو حله بهشتی از نور، بر تن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.» (خانواده نمونه)

«رسول خدا (ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی ' در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد.» (خانواده نمونه)

«امام ششم (ع): همانا خداوند بر بنده ای که علاقه زیاد به فرزندش دارد، رحم می کند.» (خانواده نمونه)

«پیامبر (ص): بچه هارا دوست بدارید و بر آنها ترحم داشته باشید.» (خانواده نمونه)

«امام هفتم (ع): خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان و زنان غضب نمی کند.» (خانواده نمونه)

»

5- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده

لقمه حلال در تربیت سالم انسان نقش مهمی دارد همانگونه که لقمه های حرام در انحراف انسانها آثار مهمی دارد.

«در حدیث قدسی است که ایمان ده جزء دارد و هفت جزئش کسب درآمد حلال است»
«در حدیث قدسی است که کسیکه اهمیت نمی دهد از چه جایی درآمد کسب کند، منہم اهمیت نمی دهم که او را از چه دری وارد جهنم نمایم!» (خانواده نمونه)

رسول خدا: هر که از حلال بخورد ملکی بر بالای سرش بایستد و برایش استغفار کند تا زمانی که از غذا دست بکشد.» (خانواده نمونه)

6- آشنا کردن فرزند با خدا و آموزه های مذهبی

برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید چند مرحله راطی کرد:

- 1- آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمایم.
 - 2- خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن معرفی کنیم.
 - 3- از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان را بپارزد و خدا آمرزنده و مهربان است.» آل عمران 31
 - 4- نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را از هفت سالگی به آنها آموزش دهیم.
- اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در 16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس می تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تدروی و طغیان برکنار بماند. اما برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبیش مورد حمایت و پرورش قرار

نگرفته و احیاناً سرکوب شده باشد، نوجوانی که خواهش معنویتش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش را روشن ننموده باشد، در 16 سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را در مقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریع شده و همچنین دعا و نیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار است. نماز ارتباط دهنده انسان به خالقش می‌باشد. نماز گزار روزی چند بار به پیشگاه خدا می‌رود و مراتب دوستی خود را با محبوبش تجدید می‌کند.

اگر گناہانی کرده آنها را بوسیله نماز پاک می‌کند و اگر چند قدمی از خدایش دور شده، بوسیله نماز بعدی به خدایش برمی‌گردد. خدای واقعی آنقدر رحمت و عطف دارد که باب توبه بر روی همه گشوده است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است. حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد و با اصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالق که در گرفتاریها و سختیهای زندگی، تکیه‌گاه انسان است.

علی 7 می‌فرماید: «إِیْ اَمِنْ عَلَیْهِ مُعْوَلِیْ! اِیْ تَکِیْهَ گاه من! «إِیْ اَمِنْ اِلَیْهِ شَکْوْتُ اُخْوَالِیْ! اِیْ کَسی که گرفتاریهایم را فقط به او می‌گویم. این دین صحیح و ایمان واقعی است که انسانها را از انحرافات و آلودگیها دور و پاک کرده و آنها را سعادتمند می‌نماید.

اما بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار ندارد بلکه با انواع برنامه‌های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین می‌برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری کرده و اهمیت قائل می‌شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس مذهبی ارزش وارجی قائل نمی‌شود.

7- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان، شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می‌خواهد هرچه زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه بزرگسالان بپیوندد و مانند آنان مستقل باشد. او خواسته خود را بر زبان نمی‌آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست نیابد، سرکشی و طغیان می‌کند، به کارهای غیر عادی دست می‌زند، بد رفتار و تندخو می‌شود و با زبان حال می‌گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!

در سخن پیامبرص است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقااست. هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است». (خانواده نمونه)

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می‌کند! زیرا فکرش نارسا و جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیده رأفت به او نظر کنند و ناچارند که خواسته‌های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تن و روان کودک پدیدمی‌آید. جسمش قوی می‌شود و درکش رشد می‌کند و تا اندازه‌ای خویها و بدیها را می‌فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگار قرار می‌گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی‌دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه‌های جوانی و بزرگسالی در او پدیدمی‌آید. لذا احساس مسئولیت می‌کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می‌باشد.
از بکار بردن کلمهٔ وزیر چند نکته را می‌فهمیم:
الف - جوان تشخص طلب و استقلال جواست.
ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار رانمی‌بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خویها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.
سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می‌آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته کنندهٔ والدین، نیروی مقاوت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می‌شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می‌شود ولی استعدادهای خود را از دست می‌دهد و یک انسان نالایق بار می‌آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری‌ها می‌ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می‌شود. عربده‌ها و فریادها، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامهٔ عادی چنین خانه‌هایی خواهد بود!
بعضی پدران بخاطر عقدهٔ خود کم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند، دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم‌پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همهٔ اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان پیا می‌کند! ولی اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس‌العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقدهٔ حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دوطرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش چشم‌پوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی مهری قرار گرفته بودند و هم احساس نامنی و حقارت داشتند!
عکس العمل والدین در برخورد با خلاف فرزندشان!

چنانچه فرزند عمل خلافی را انجام داد چگونه باید با آن برخورد نمود؟ مثلاً خانمی در تماس با مشاوره اظهار داشت که مدتی است، متوجه شده که پسر دبیرستانش استمناء می کند! تکلیف این مادر چیست؟ در پاسخ باید گفت که مرحله‌ای در برخورد با این خلافها وجود دارد که اگر رعایت شود شاید موفقیت آمیز باشد. یکی مسئله توجه به ازدواج جوانان است که در هنگام نیاز جنسی آنان، باید بفکر راه و چاره بود و دیگری آشنا کردن آنها با حرام و حلال اسلام و اینکه این اعمال، چقدر زشت بوده و عواقب بد دنیوی و اخروی دارد و در غیر این دو مورد نیز باید مراحل تشویق و تنبیه برای ترک این اعمال انجام شود.

«در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند.» (خانواده نمونه)

و در روایت است: «کودکت را تا هفت سال آزاد بگذار سپس هفت سال مداوم با او کار تربیتی بکن. اگر به تربیت تن داد سعادتمند است والا در او خیری نیست!» (خانواده نمونه)

8- تأکید بر نماز خواندن فرزند

«وامر اهلك بالصلوة واصطبر علیها» طه 132

یعنی خانواده ات را امر به نماز نما و بر این مسئله مداومت کن.

مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است. در خانه‌ای که والدین نماز خوانده و تا کودک به سن بالا برسد مرتب او را به خواندن نماز امر می نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزند هزاران بار بیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر و مادر خود اهل نمازند ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند و با اصطلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خود مسیر درست را انتخاب نمایند و این بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده است که نوجوانی را که اصلاً نمی تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی نماز زحمتی برای اوست، آزاد بگذارند به این امید که روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند!

خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می دهد که خود و خانواده خود را از جهنم نجات دهید:

«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره» تحریم 6

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسول خدا (ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.» (خانواده نمونه)

9- نظارت کامل بر معاشرت فرزندش

«امام پنجم(ع): با کسی معاشرت کن که تو را می‌گریاند و خیر خواه توست! و با کسی که تو را می‌خنداند و فریب می‌دهد، معاشرت منما!» (خانواده نمونه)

«امام هفتم(ع): از مواضع تهمت و شک پرهیزید و حتی 'در کوچه با مادر خود نایستید! زیرا همه نمی‌دانند که این زن مادر توست!» (خانواده نمونه)

«علی(ع): بدترین رفیق کسی است که معصیت خدا را در نظر تو، خوب جلوه دهد!» (خانواده نمونه)

«امام سجاد(ع): با چند رفیق رفیق نباش! 1- دروغگو که مثل سراست و با دروغهای خود، تو را فریب می‌دهد و دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو، دور می‌کند. 2- فاسق که تو را به یک وعده غذا بلکه کمتر، می‌فروشد! 3- بخیل که تو را در هنگام سختی، رهامی کند. 4- احمق که می‌خواهد بتو سود برساند ولی زیان می‌رساند.» (خانواده نمونه)

10- نظارت بر استفاده فرزندان از رسانه‌های صوتی و تصویری و رایانه و استفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در پارتی‌های منحرف کننده

- 1- «پیامبر اسلام(ص): غنا(موسیقی حرام) پلّه کان زنا است.» (خانواده نمونه)
- 2- «امام صادق(ع): خبیث ترین مخلوق خدا، غنا(موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می‌شود.» (خانواده نمونه)
- 3- «امام صادق(ع): خانه‌ای که در آن غنا(موسیقی حرام) باشد، از فاجعه ایمن نمی‌باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی‌شود و ملائکه به این خانه وارد نمی‌گردند.» (خانواده نمونه)
- 10- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخریب می‌کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می‌برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می‌شود.» (خانواده نمونه)

ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی از عوارض موسیقی

«دکتر ولف آدلر، پروفسور دانشگاه کلمبیا می‌گوید: بهترین و دلکش‌ترین نو اهای موسیقی، شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می‌گذارد.»

«دکتر آلکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخریبی ایجاد می‌کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می‌سازد و لذت فوق العاده‌ای که افراد از آن می‌برند از همین اثر تخریبی است و روشن است که اینگونه تخریب‌ها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جاذبه آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیانید.»

گاهی موسیقی باعث جنایت می‌شود.

11-جدیت در امر ازدواج فرزندان

«رسول خدا(ص):اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانائی مخارج ازدواج اورا دارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود،معصیت اورا در نامه عمل پدرش می‌نویسند.» (خانواده نمونه)

12-جدیت در امر یاد دادن قرآن و آداب اسلامی مانند:

آداب معاشرت، آداب خوردن و آشامیدن، آداب ازدواج، آداب تجارت و معاملات، تاریخ اسلام و تاریخ ایران و صدها مورد اطلاعات مفیدی که براساس آنها، اعتقادات و روش زندگی فرزندان بنا نهاده می‌شود.

«یکی از مؤمنین می‌گفت که وقتی ما بچه بودیم در روستا زندگی می‌کردیم، پدرمان ملاّبی را از شهر آورد و خرج مسکن و غذا و حقوقش رابه عهده گرفت تا او در چندماه بما قرآن بیاموزد. و او هم این کار را انجام داد و ما دوبرادر قرآن را در کودکی فرا گرفتیم»

13-رعایت پوشش کامل در موقع عمل زناشوئی

«مشاهده عمل زناشوئی والدین، پوشش نامناسب محارم و... از عوامل انحراف فرزندان است.»
«جوان 27 ساله‌ای که پس از سرقت جواهرات و ربودن دختر چهارده خردسال و تجاوز به برخی از آنان دستگیر شده بود، پس از محاکمه در دادگاه 142 کیفری یک تهران، به دوبار اعدام و سه سال زندان و تعزیر و پرداخت مهرالمثل محکوم شد.
بر اساس تحقیقات بازپرس، این جوان دارای انحرافات اخلاقی بوده و بر اساس اعترافات خودش، در گذشته، وی بارها مورد سوءاستفاده افراد قرار گرفته است.
به گزارش خبرنگار قضایی، دستگیری متهم به دنبال اعلام شکایت بستگان یک دختر هشت ساله به مأموران حوزه انتظامی 28 تهران صورت گرفت. با طرح این موضوع، پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شد و بازپرس دستور داد در این باره بیشتر تحقیق شود.
مأموران با کمک دختر بچه به محل رفتند و پس از چندروز پیگیری، خانه «مضطفی» را شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی به ربودن چهارده دختر بچه و سرقت طلاهای کودک کان معصوم و تجاوز به برخی از آنان اعتراف کرد.
این جوان منحرف، در بیان علل انحراف اخلاقی خویش گفت: در خانواده من مسائل خلاف زیادی وجود داشت، به طوری که من ارتباط‌های آمیزشی و روابط جنسی پدر و مادرم

را مشاهده می کردم و آنها ابایی از این موضوع نداشتند! پدر و مادرم، بعضی وقتها بدون لباس در برابر من ظاهر می شدند و این مسائل مرا تحریک می کرد و به انحراف اخلاقی سوق می داد... طبق نظر صریح کارشناسان روانشناسی کودک، تماشای صحنه های مهیج جنسی، چه در خانواده و چه در فیلمهای سینمایی و... مانند دادن چلوکباب به یک نوزاد است، چرا که با این تحریکات، کودک در معرض بلوغ زود رس قرار می گیرد و حساسیت و کنجکاوی او را به روابط بزرگترها بویژه پدر و مادر بر می انگیزد. و از این جاست که زمینه های انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان آغاز می گردد.»

14- شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات دینی به همراه فرزندان

پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می کنند و فرزندان خود را نیز به همراه می برد، می تواند امیدوار باشد که آینده فرزندان، از نظر دوری از انحرافات اخلاقی، آینده سالمی خواهد بود. ولی پدرانی که خود هیچگاه پا به مسجد و عبادتگاه الهی نگذاشته اند و غرورشان اجازه نمی دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند، چگونه امید دارند که فرزندان خوبی و سالمی تربیت کنند؟ مسجد محلی است که در آن انسانهای والا تربیت می شود.

مسجد سنگر اسلام است. مسجد محل ملاقات مؤمنین و وحدت و صمیمیت آنان است. اگرچه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدامی شوند یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند ولی اکثر نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خدایشان در مسجد و مراسمات مذهبی حضور پیدامی کنند و خداوند هم طبق وعده هایی که داده است در دنیا و آخرت از آنان حمایت می کند:

«ان الله يدافع عن الذين آمنوا» حج 39

خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد.

حجاب زن

یکی از دستورات مهم قرآن کریم درباره زنان، در مورد لزوم حجاب آنان است. حجاب زن به هیچ عنوان علامت عقب ماندگی یا اسارت و یا زیر دستی او نیست بلکه چون زن مانند گوهر گرانبه‌ای است که باید از دستبرد دزدان در امان بماند لذا بوسیله حجاب، هم حفظ می‌شود و هم ارزشش افزون می‌گردد و هم در این آزمایش الهی سربلند بیرون می‌آید. از جمله آیات قرآن کریم درباره حجاب آیات زیر است.

آیه اول: «ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) ...»⁽⁴⁾

آیه دوم: «ای زنهای پیغمبر! شما مثل افراد عادی نیستید. بایستی مراتب تقوی و پارسایی را کاملاً رعایت نموده و بدون کم و زیاد، تمام دستورات خدا را عملی کنید. بنابراین اگر واقعاً شماها پرهیزکار و خداترسید، پس در گفتار تان نرمی و فروتنی نکنید و صدای خود را نازک ننمائید تا اشخاصی که دلشان مریض است و اسیر دست شهوتند، از صدای نرم و نازک شما تحریک نشده و میل و طمع به شما نکنند و در وقت لزوم باید طوری بادرستی

1. خوبی ها و بدی ها - الخصال 585/2 2. خوبی ها و بدی ها - مکارم الاخلاق/234

3. خوبی ها و بدی ها - ارشادالقلوب 175/1 4. سوره نور، آیه 31.

و خوشونت صحبت کنید که پسند خدا و رسول بوده و موجب فتنه و لغزش و میل و تحریک مردم نشود. و باید در خانه های خود قرار گیرید و زینت های خود را اظهار نکنید همانطور که کافران پیشین خود را به نمایش می گذاشتند و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسول اطاعت نمائید.⁽¹⁾

آیه سوم: «وقتی از زنهای پیغمبر چیزی می طلبید از پشت پرده از ایشان بخواهید. این طور برای دلهای شما و دلهای آنها پاک تر است»⁽²⁾

آیه چهارم: «ای پیغمبر! به زنان و دختران خود و زنهای مؤمنین بگو که جلباب (چادر) بر سر خود بیاورند که این پوشش در فرق زنهای خوب از زنهای نانجیب نزدیکتر و مؤثرتر است باعث میشود زنهای مؤمنه توسط افراد فاسداذیت نشوند و نسبت به گذشته ها چون قصد سویی نداشته اند یا چون توبه کنند، خداوند سبحان بخشاینده و مهربان است. و اگر منافقین و آنهایی که در دلشان مرض است و آنهایی که حرفهای مضر در بین مردم اشاعه میدهند از این اعمال دست نکشند، تو را بر آنها مسلط می کنیم که بر آنها فشار بیاوری بطوری که نتوانند در مدینه در همسایگی تو بمانند مگر زمان اندکی. در حالی که اینها ملعونند و دستور است که هر کجا اینها یافت شوند، آنها را بگیرند و به خوارترین و سخت ترین وجهی بکشند. سنت الهی در مورد اهل نفاق، در هر عصری همین بوده و خواهد بود و به هیچ وجه ممکن، این آیین در مورد اینها تغییر نمی شود»⁽³⁾

اما احادیث درباره لزوم حجاب زن فراوان است که به چند روایت اشاره می شود:

«حضرت زهرا علیها السلام: بهترین زنان کسانی هستند که نه آنها مردان نامحرم را ببینند و نه مردان نامحرم آنها را ببینند.»⁽⁴⁾

«سخن گفتن با زن نامحرم از دامهای شیطان است»⁽⁵⁾

«از جمله بیعتهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند.»⁽⁶⁾

«پیامبر صلی الله علیه و آله: ای حواء! زینت خود را برای غیر شوهرت ظاهر نکن. برای زن حلال نیست که مچ و پایش را برای مردی غیر شویش آشکار کند. که اگر چنین کرد، همیشه در لعنت الهی است و فرشتگان او را لعن کرده و عذابی دردناک برایش مهیا می شود»⁽⁷⁾.

«امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! بدانید که گفتگو و اختلاط مردان با زنان نامحرم، سبب مصیبت و گرفتاری شده و دلها را منحرف می سازد و پیوسته به زنان چشم دوختن، نور دیده را خاموش می گرداند و همچنین با گوشه چشم به زنان نگاه کردن از حيله و دامهای شیطان است»⁽⁸⁾

«امام علی علیه السلام: ای مردم عراق! باخبر شده ام که زنان شما در راه با مردان برخورد می کنند، آیا حیا و شرم نمی کنید؟

و در حدیث دیگری فرمود: آیا حیا نمی کنید و غیرت نمی ورزید که زنانتان به بازار می روند و با افراد بی ایمان مواجه می شوند؟»⁽⁹⁾

1. سوره احزاب، آیه 32. 2. سوره احزاب، آیه 53. 3. سوره احزاب، آیه 59.

4. فضائل الخمسة عن الصحاح الستة 154/3. 5. مستدرک، 273/14.

باید که بگیرد رو هر زن که مسلمان است زیرا که حجاب زن در سوره قرآن است
هم عصمت و هم عفت در پرده نسوان است قانون حیا چون سر بر پیکرایمان است
ما ملت ایرانیم امروز مسلمانییم هم شیعه اخلاص و هم تابع قرآنیم
جز قاعده اسلام ما هیچ نمی دانیم در روز قیامت هم جویای شفیعیانیم

شعر دیگر

ای زن ای سرو ناز و باغ وجود	نور بخشنده چراغ وجود
تا تو در راه خیر پیش روی	راست رو باش تا ز ره نروی
پاکی اندوز و راستی آموز	بعد از آن هر چه خواستی آموز
آن که مذهب نهاد و آیین کرد	راستی را ملازم دین کرد
خانه دل ز غیر شو پرداز	از همه کارها بدو پرداز
روی از غیر شوی خویش بپوش	جان فدای تو! روی خویش بپوش!
زان که تا رُخ ز پرده برفکنی	پرده از روی شرم برفکنی
گر شوی عیش جو و عشرت خواه	جان به انواع فسق کرده تباه
آری آن زن که بی حجاب آمد	عاقبت خانمان خراب آمد
بلکه از رُخ چو پرده بر دارد	یک جهان فتنه ها ز پی دارد
بهترین علم زن نجابت اوست	وین قبا دوخته به قامت اوست
علم زن چیست حاصل آوردن	پس از آنش به لطف پروردن
خانه را رشک بوستان کردن	آنچه شایسته است آن کردن

ایستادن زجان به خدمت شوی

روز و شب در پی محبت شوی

شوی را مهربان به خود کردن

شرط خدمت به جای آوردن

سخن بوعلی سینا

«بوعلی سینا در کتاب سیاست خود می‌نویسد: بر مردان لازم است که زنان را به تربیت اولاد و تدبیر خانه مشغول نموده، وسایل پوشش و حیای او را مهیا نمایند که اگر زن بیکار و به تدبیر منزل مشغول نباشد، قهراً میل نمایش و اسراف در زینت و لهو نموده و بدین واسطه از وظیفه طبیعی خود خارج شده و با حقوق و کرامت مرد مخالفت می‌کند.»⁽¹⁾

آرامش روانی

استاد شهید مطهری :

«نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرتهای بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می‌آورد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق، و «دریافت» است، هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله‌ورتر می‌شود. برای درک این مطلب به دو چیز باید توجه داشت:

1. رسائل حجابیه، ج 2، ص 1080.

1 - تاریخ همان طوری که از آزمندان ثروت یاد می کند که با حرص و آزی حیرت آور
در

پی گرد آوردن پول و ثروت بوده اند و هر چه بیشتر جمع می کرده اند، حریص تر می شده
اند، همچنین از آزمندانی که در زمینه مسائل جنسی یاد می کند، که به هیچ وجه از نظر
حسّ تصرف و تملک زیبارویان در یک حدی متوقف نشده اند. صاحبان حرمسراها و در
واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته اند، چنین بوده اند.

در زمان جدید هم به برکت تجدّد فرهنگی، برای مردی که یک صد هزارم
خسرو پرویز (که سه هزار زن در حرمسرا داشته است) و هارون الرشید، امکانات داشته باشد،
میسر است که باندازه آن ها از جنس زن بهره کشی کند.

2 - هیچ فکر کرده اید که حسّ «تغزل» در بشر چه حسّی است؟ قسمتی از ادبیات جهان
عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را می ستاید. به
پیشگاه او نیاز می برد، او را بزرگ و کوچک جلوه می دهد، خود را نیازمند کوچکترین
عنایت او می داند، مدعی می شود که محبوب و معشوق «صد مُلک جان به نیم نظر می تواند
بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می کند» از فراق او دردمندانه می نالد.

این چیست؟ چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی کند؟ آیا تاکنون دیده اید که
یک آدم پول پرست برای پول، یا یک آدم جاه پرست برای جاه و مقام، غزلسرایی کند؟!
آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرایی کرده است؟ چرا هر کسی از شعر و غزل دیگری
خوشش می آید؟ چرا همه از دیوان حافظ اینقدر لذت می برند؟ آیا جز این است که همه
کس آن را با زبان یک غریزه عمیق که سراپای وجودش را گرفته است منطبق می بیند؟
چقدر اشتباه می کنند کسانی که می گویند یگانه عامل اساسی فعالیتهای بشر عامل اقتصاد
است !!

بشر برای عشق‌های جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنان که برای معنویات نیز موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجت‌های صرفاً مادی از قبیل آب و نان موسیقی ندارد .

من نمی‌خواهم ادعا کنم که تمام عشق‌ها جنسی است و هم هرگز نمی‌گویم که حافظ وسعدی و سایر غزلسرایان صرفاً از زبان غریزه جنسی سخن گفته‌اند . این مبحث، مبحث دیگری است که جداگانه باید بحث شود .

ولی قدر مسلم این است که بسیاری از عشق‌ها و غزل‌ها، عشق و غزل‌هایی است که مرد برای زن داشته است . همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و آب نیست که با سیرشدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آرزو و تنوع پرستی در می‌آید و یا به صورت عشق و غزل .

اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است . روایات زیادی درباره خطرناک بودن «نگاه»، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالاخره خطرناک بودن غریزه‌ای که مرد وزن را به یکدیگر پیوند می‌دهد، وارد شده است .

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای زنان و هم مردان تکلیف معین کرده است . یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ ... قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ .

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر

نگاه کنند . یک وظیفه خاص هم برای زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند .

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است . اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد .

همان طور که بشر - اعم از زن و مرد - در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی شود و اشباع نمی گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است . هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی شود .

و از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت . دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلال روحی و بیماریهای روانی می گردد .

چرا در دنیای غرب اینهمه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که بوسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابانها و کوچه ها انجام می شود .

اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خود نمائی و خود آرائی مخصوص زنان است . از نظر تصاحب قلبها و دل، مرد شکار است و زن شکارچی ! همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی ! میل زن به خود آرائی از این نوع حس شکار چیگری او ناشی می شود . در

هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردها لباس‌های بدن نما و آرایش‌های تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد. لهذا انحراف تبرّج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.⁽¹⁾

«شرافت زن اقتضا می‌کند که هنگامی که از خانه بیرون می‌رود، متین و سنگین و باوقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زباندار لباس نپوشد، زباندار راه نرود، زباندار و معنی‌دار به سخن خود آهنگ ندهد، چه آنکه گاهی اوقات ژست‌ها سخن می‌گویند، راه رفتن انسان سخن می‌گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می‌زند»⁽²⁾.

«ما انکار نمی‌کنیم که دسترسی نداشتن به زن موجب انحراف می‌شود و باید شرائط ازدواج قانونی را سهل کرد، ولی بدون شک آن مقدار که تبرّج و خود نمائی زن در اجتماع و معاشرت‌های آزاد سبب انحراف جنسی می‌شود، به مراتب بیشتر از آن است که محرومیت و دست‌نارسی سبب می‌گردد»⁽³⁾.

تاج افتخار

تاروپودش باتومیگوید سخن	بشنو از چادر که در توصیف زن
تاشرافت را به عصمت بافته	تاروپودم را شرافت تافته
دختران دُرند و چادر چون صدف	در کلاس حفظ تقوا و شرف
زانکه زن را زینت زن، چادر است	بهترین سرمایه زن چادر است
دختران را هست تاج افتخار	حفظ چادر در سرای اقتدار
شیوه زهرا و درس زینب است	حفظ چادر، حفظ دین و مذهب است

حفظ چادر سدّ فحشا می کند	روسفیدی نزد زهرا علیها السلام می کند
حفظ چادر چاره ساز کارهاست	حافظ گُل از هجوم خارهاست
حفظ چادر زخمها را مرهم است	دست ردّ بر سینه نامحرم است (ژولیده)

ارزش و جایگاه حجاب و عفاف

یقیناً دستور خداوند مبنی بر وجوب حجاب زنان، بخاطر فوایدی است که از این مسئله

1. مسأله حجاب. 2. همان 3. همان

نصیب بشریت می گردد و از طرفی بخاطر دوری از ضررها و خساراتی است که برهنگی و بی حجابی به انسان ها وارد می کند.

حجاب عامل استحکام خانواده ها می باشد. اگر در جامعه ای حجاب زنان رعایت گردد جوانان به ازدواج گرایش پیدا کرده و آمار ازدواج بالا می رود. آمار طلاق کاهش می یابد. زیرا آنها راه اطفاء غرایز را در ازدواج می بینند. اما در جامعه ای که برهنگی و بی حجابی رواج دارد ارتباطات نامشروع زیاد شده و بالطبع ازدواج کاهش می یابد و کانون خانواده هایی که تشکیل شده متزلزل می شود چه بسا شوهر با زنان هرزه دیگری ارتباط برقرار کند. چه بسا زن در خفا با مردان دیگر ارتباط برقرار نماید.

حجاب باعث حفظ آرامش روانی افراد جامعه و عامل پاکی دلها می شود.

قرآن کریم، حجاب را عامل پاکی دل و روح می داند.

در سوره احزاب آیه 53 می فرماید: اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید دریافت کنید از پشت پرده باشد که این هم برای پاکی دل شما و هم آنان بهتر است. ذالکم اطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

وقتی چشم چرانی صورت بگیرد یا زنان با لباسهای نامناسب ظاهر شوند افکار زن و مرد به هم مشغول شده و دلها آلوده می شود. صفای دل از بین می رود. گاهی مسئله خیانت زن و مرد پیش می آید و همه این مشکلات بخاطر عدم رعایت حجاب توسط زنان می باشد.

حجاب عامل تقرب الهی است. یقیناً زنانی که باحجاب هستند و عفاف دارند مورد عنایت پروردگار قرار می گیرند و برعکس، زنانی که عفت ندارند یا با برهنگی و بی حجاب در مقابل مردان ظاهر می شوند مورد نظر لطف الهی قرار ندارند و دعایشان مستجاب نمی شود و اعمال خوبی که انجام دهند قبول نمی شود. و این کاملاً در روایات مربوط به حجاب ذکر شده است. زنان بی حجاب جایگاهی در نزد خداوند سبحان ندارند مگر اینکه توبه کنند و خود را اصلاح نمایند که موارد زیادی بوده که از زنان و دختران غربی یا زنان رقاص یا خواننده عربی که توبه کرده و به عفاف و حجاب و پاکدامنی برگشته اند و مورد لطف خداوند قرار گرفته اند.

حجاب زنان باعث بالارفتن ارزش و عزت و کرامت زنان است ولی بی حجابی ارزش زن را تا حد یک وسیله جنسی پایین می آورد.

حجاب زنان مسلمان سلاح آنان در مقابل فرهنگ منحط غرب است. زنان با حجاب در حقیقت با حجاب خود در حال مبارزه با شیاطین و مفسدان و شهوت طلبان و مستکبرین هستند لذا قدرتمندان فاسد هم در این جنگ پنهانی از ابزارهایی چون اخراج از مدرسه و دانشگاه و ادارات و کارخانجات و جاهای دیگر استفاده می کنند. ولی استقامت زنان باحجاب باعث شده که دشمنان حجاب تاکنون در بی حجاب کردن زنان باعفاف و با حجاب موفق نشوند.

آثار زیانبار بی حجابی و بی عفتی

افزایش بیماران روانی و افزایش افسردگی و خودکشی و قتل و جنایت و خیانت به همسر و تولد فرزندان نامشروع و از هم پاشیده شدن کانون خانواده‌ها و افزایش طلاق، فرار دختران از کانون خانواده‌ها، تجاوز و هتک حرمت زنان بدون تاثیر از بی حجابی زنان نیست.

در هر جامعه‌ای که زنان بی حجاب ظاهر شوند و عفاف در آن جامعه حاکم نباشد باید منتظر افزایش آسیبهای اجتماعی باشیم.

پایین آمدن سطح اخلاق زنان در غرب که در برهنگی و اختلاط بدون قید و شرط با مردان بصورت آشکار دیده می‌شود باعث شده که آمار حیرت‌آوری از بالا رفتن خودکشی و هتک حرمت زنان و گسترش بیماری‌های جنسی امثال آن در غرب اعلام گردد.

در امریکا بیش از 650 بیمارستان مخصوص امراض جنسی وجود دارد! همچنین در امریکا در هر یک دقیقه یک نفر دست به خودکشی می‌زند! در فرانسه از هر هزار نفر فقط 6 نفر ازدواج می‌کنند! و در این کشور سالی 35 هزار نفر خودکشی می‌کنند! در آلمان بیش از 50 درصد مردان مجرد زندگی می‌کنند! ژاپن بیشترین آمار خودکشی در جهان را دارد!

البته اینها اگر به دستورات اسلام عمل می‌کردند به این روز نمی‌افتادند ولی چه باید کرد که دولتمردان کشورهای صنعتی و غربی همگی بی دین هستند و اعتقادی به دستورات خداوند ندارند پس چگونه انتظار می‌رود که به دستورات اسلام عزیز که همگی نسخه‌های شفابخش هستند عمل کنند؟

اما در جوامعی که زنان حجاب و عفاف دارند مخصوصا به قوانین اسلام عمل می‌کنند به ندرت این آسیبها در طول هفته و ماه اتفاق می‌افتد. آمار خودکشی در ایران به هیچ وجه قابل مقایسه با کشورهای غربی نیست. همچنین آمار دیگر آسیبهای اجتماعی در کشورمان

بسیار پایین تر از کشورهای غربی است. و آسیب‌هایی هم که در کشورمان وجود دارد از ناحیه زنان و مردانی است که به دستورات اسلام عمل نمی‌کنند. والا در میان مؤمنین و مؤمنات، آسیب‌های اجتماعی و مفسد اخلاقی بسیار کم است و به ندرت اتفاق می‌افتد.

نکوهش طلاق

در دین اسلام طلاق فقط در ضرورت مباح است آنهم بدترین مباح! و باید تا آنجا که زن و شوهر می‌توانند از طلاق دوری کنند زیرا طلاق آثار زیانباری برای جامعه مسلمین در پی دارد.

اما علل طلاق

- 1- ازدواج‌های اجباری که به اجبار والدین دختر یا پسر، سر گرفته شده است احتمال طلاق در آن وجود دارد.
- 2- عدم رعایت کفو و هم‌شان بودن یعنی باید زن و مرد هم‌شان باشند در زیبایی. در سواد و تحصیلات. در امکانات مادی. در نسب و حسب. در اخلاق و تقوا.
- 3- ازدواج‌هایی که بر اثر چشم‌چرانی دختر و پسر بوجود می‌آید نیز در معرض خطر طلاق است.
- 4- عدم تحقیق درباره هم، قبل از ازدواج منجر به مشکلاتی بعد از ازدواج از جمله طلاق می‌گردد.

5 - باید زن وشوهر بعد از جاری شدن صیغه ازدواج که خود یک پیمان الهی است نسبت بهم وفادار باشند و خدای نکرده اگر قبل از ازدواج با کسی ارتباط یا دوستی داشته‌اند دیگر بعد از ازدواج آن را فراموش کنند و فقط به همسر خود بیاندیشند و به او عشق و علاقه بورزند . اما وقتی وفادار نباشند و همسر متوجه شود، محبتش از بین می‌رود و اختلاف بین خانواده پدید می‌آید .

6 - دخالت‌های بیجای والدین دختر یا پسر در زندگی فرزندان باعث اختلاف و در نتیجه مسئله طلاق مطرح می‌شود .

7 - عدم آشنایی زن وشوهرها با وظایف خود نیز باعث اختلاف می‌گردد . که در بخش خانواده به این وظایف اشاره شده است .

احترام به سالمندان

در مکتب اسلام برای سالمندان جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است . در سوره اسراء آمده است

وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۖ إِنَّمَا يَبْلُغَنَّ الْكِبَرُ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ

اگر یکی از والدینت یا هردوشان به سالخورده‌گی رسید پس مبادابه آنها حتی أُف بگویی و آنها را نرنجان و با آنان با خوبی حرف بزنی .⁽¹⁾

این یکی از آزمون‌های الهی است که گاهی خداوند سبحان بوسیله پدر یا پدر بزرگ و یا مادر و یا مادر بزرگ سالخورده و ناتوان از فرزندان و نوه هایشان بعمل می‌آورد . که چگونه وجود اینها را تحمل می‌کنند . البته در کشور ایران در اکثر خانواده‌ها، بخاطر خوی ایرانی

و اسلامی بودن برای پیران بعنوان بزرگان فامیل احترام خاصی قائلند و از آنها خوب مواظبت و پذیرایی می نمایند .

سالخوردگان در این ایام به احترام بیشتری نیاز دارند . آنها بخاطر اینکه دیگر از کار و تلاش بازنشسته شده اند گاهی در خود احساس تنهایی می نمایند لذا باید با آنها بیشتر گرم گرفت و با تحمل و صبر به سخنان آنان گوش داد مخصوصا اگر دچا نقص در حواس پنجگانه هستند باید بیشتر به آنها رسیدگی نمود . و حتی غرغره های آنان را تحمل نمود .

امام ششم علیه السلام : ای میسر ! اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن .⁽²⁾

لازم نیست که سالمند از بستگان انسان باشد . بلکه باید به هر پیر مسلمانی احترام گذاشت .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که پیر مسلمانی را احترام کند از فرع اکبر قیامت در امان خواهد بود .⁽¹⁾

اما عده ای از فرزندان هستند که اجر و ثواب نگه داری از پیران را فراموش کرده و آنان را به طرق مختلف اذیت می کنند . به آنان بی اعتنائی نموده و آنها را و بال گردن خود و یک عضو اضافه خانواده فرض می کنند که این برخوردها ضربات سختی بر روح و روان پیران وارد کرده و گاهی باعث مرگ زودرس آنان و باصطلاح دق مرگ شدنشان می شود . که باید عاملین این اذیت و آزارها در انتظار عذاب دنیوی و اخروی الهی باشند .

گویند وارثین شخصی برای پدرشان خیرات و مبرات نمی کردند . نصیحت کننده ای به

آنان گفت که اگر برای پدرتان کارهای خیر نکنید او در قبر می‌سوزد! آنان گفتند: اگر

یکنفر بسوزد بهتر است که ما ده نفر بسوزیم!

در فرهنگ غرب بی‌اعتنایی به سالمندان یک امر عادی و فراوان است و هیچ جایگاهی برای سالمندان در بین خانواده‌ها در نظر گرفته نشده است.

نماینده آیه الله بروجردی در آلمان گفته بود که برای عیادت مسلمانی به بیمارستان می‌رفتیم. در اتاق آن مریض یکی از پیرمردهای آلمانی بستری بود. روزی از ما پرسید که شما با این مسلمانی که مرتب به عیادت او می‌آید نسبتی دارید؟ گفتیم خیر بلکه او برادر مسلمان است. او گفت با اینکه زن و بچه من در همین شهر هستند ولی تاکنون به عیادت من نیامده‌اند!

احترام به سالمندان منحصر به خویشان نیست بلکه باید به هر پیری احترام گذاشت.

روایت شده که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در شهر کوفه چشمش به پیرمردی یهودی افتاد که مشغول گدایی بود. حضرت از او پرسید چرا گدایی می‌کند؟ گفت تا جوان بودم کار کردم ولی اکنون قادر به کار نیستم. امام دستور داد تا از بیت المال مسلمین برای او حقوق مقرر فرمودند.⁽²⁾

نقل شده که عده‌ای به دیدار امام صادق علیه‌السلام رفتند. امام به آنها گفت چرا بما ظلم می‌کنید؟ آنها گفتند که ما چه ظلمی بشما کرده‌ایم؟ فرمود در راه آمدن به مدینه پیر کردی که همراحتان است از خستگی پیاده آمدن به جوانی که سوار اسب بود گفت اگر می‌شود مرا هم سوار کن که خیلی خسته شده‌ام. ولی او جواب نداد و اعتنایی به آن پیرمرد ننمود. و این ظلم به ما حساب می‌شود.⁽³⁾

1. خوبی ها و بدی ها - ثواب الاعمال/189 ذ 2. خوبی ها و بدی ها .

3. خوبی ها و بدی ها . 4. سوره تحریم، آیه 6.

فرزندان (2)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»⁽⁴⁾

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

در مورد فرزندان و حقوق آنان بر گردن والدین و حقوق والدین بر گردن فرزندان مطالب جالبی نقل می کنیم.

اسلام به داشتن فرزندان تشویق و ترغیب فرموده و از زنان بسیار بچه زا تعریف نموده است و فرموده فرزند زیاد بیاورید تا در قیامت امت اسلامی از سایر امت ها بیشتر باشند.

ثواب بارداری و دوران حمل

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : زن از روزی که حامله شود تا زمانی که وضع حمل نماید

1. خوبی ها و بدی ها - ثواب الاعمال/189 ذ 2. خوبی ها و بدی ها.

3. خوبی ها و بدی ها. 4. سوره تحریم، آیه 6.

و فرزندش را از شیر بازگیرد، مثل کسی است که درمرز با کافران جهاد می کند! و اگر در این فاصله بمیرد، ثواب شهید را دارد.⁽¹⁾

در روایت است که شخصی که بچه دار نمی شود، این آیه را بطور مرتب در سجده بخواند:
«رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ . رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» .⁽²⁾

ابرش کلبی به امام پنجم علیه السلام عرض کرد که: خانواده ام بچه دار نمی شوند . حضرت فرمود: هر روز یا هر شب، صد مرتبه استغفار کن!⁽³⁾

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رفت و گفت: ای فرزند رسول خدا! من هشت دختر دارم . ولی پسری ندارم! دعا بفرمایید خداوند سبحان بمن پسری عنایت کند .
امام فرمود: چون خواستی با همسرت نزدیکی کنی، دست راست را بر ران چپ زن بگذار و سوره قدر را هفت بار بخوان!

وقتی هم که آثار حاملگی پیدا شد، در موقع شب، وقتی همسرت پهلوی به پهلوی شد، دست راست را بر ران راست او بگذار و سوره قدر را هفت بار بخوان!

راوی می گوید: بدستور امام عمل کردم، و خداوند سبحان بمن پسر عنایت کرد . دیگران هم به این طریق عمل کردند، و خداوند سبحان به آنان هم پسر عنایت فرمود .⁽⁴⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند سبحان فرموده است: بعزت و جلالم سو گند که هر زن تازه زای، رطب بخورد، فرزند او را بردبار گردانم .⁽⁵⁾

روایت شده وقتی به امام سجّاد علیه السلام بشارت ولادتی رامی دادند، از پسر و یا دختر بودنش سؤال نمی کرد، بلکه می پرسید: آیا سالم است؟ و هنگامی که می گفتند: آری! می فرمود: (الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئاً مشوهاً)⁽⁶⁾
 شکر خدایی را که فرزند مرا معیوب متولد نفرمود .

نقش والدین در سعادت و شقاوت فرزندان

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»⁽⁷⁾

سفارش والدین را به انسان می کنیم که مادر مدتی شما را در شکم حمل کرد سپس دوسال شیرداد . پس ابتدا شکر من سپس والدینت را بکن که عاقبت نزد من خواهی آمد.

1. حلیه المتقین - مکارم الاخلاق/234

2. حلیه المتقین - بحار الانوار 83/101 3. حلیه المتقین - الکافی 8/6

4. مکارم الاخلاق/225 5. حلیه المتقین - بحار الانوار 135/63

6. حلیه المتقین - الکافی 21/6 7. سوره لقمان، آیه 14.

1- تربیت خوب فرزند ثوابهای عظیمی دارد زیرا والدین باید سختی‌ها و مجاهدت‌های زیادی انجام دهند تا فرزندان به سعادت برسند.

2- والدین در ابعاد مختلف تربیتی از قبیل جسمانی، روانی، رفتاری و دینی نقش آفرین هستند.

3- نقش محبت به فرزندان در سعادت فرزندان بسیار اثرگذار است. بشرط اینکه اعتدال در آن رعایت شود. همچنین رعایت عدالت در محبت به فرزندان مسئله مهمی می‌باشد.

4- اقتدار والدین نیز باید همراه با محبت باشد تا برنامه‌های تربیتی آنها مورد مسامحه قرار نگیرد. والا اگر اقتدار نباشد فرزندان نافرمانی می‌کنند که پیامبر اعظم ص فرمود: خدایا بتو پناه می‌برم از فرزندی که خدایم باشد!⁽¹⁾ یعنی فرزند به والدین امر و نهی کد.

5- در برخورد تنبیهی با فرزند باید ترتیب رعایت شود بدین صورت که در صورت تخلف فرزند، ابتدا با قهر والدین و در صورت عدم تاثیر استفاده از حالات چهره و نگاههای تند به فرزند و در مرحله بعد تذکر در خلوت سپس محروم کردن از مزایایی مثل تفریح و پول توجیبی بعد از آن وادار کردن به کارهای خدماتی منزل و در آخر تنبیه بدنی که نباید باعث سرخ و کبود شدن بدن شود.

اگرچه در زندگی ائمه ع دیده نشده که فرزندانشان را تنبیه کرده باشند.

6- در هفت سال اول بجز بازی نباید برنامه آموزشی از کودک انتظار داشت.

امام کاظم ع فرمود: مستحب است فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز پردازد تا در بزرگسالی حلیم گردد.⁽²⁾

والدین خوبست با کودکان بازی کنند. علی ع فرمود: هر که فرزندی دارد با او کودکی کند.⁽³⁾

7- فضای منزل باید امن باشد والا تربیت با مشکل روبرو می گردد پس اگر زوجین باهم درگیری دارند دور از فرزندان باشد.

8- تحقیر فرزندان و سرنش آنها در حضور دیگران مخصوصا آزار کودک گاه منتهی به ضررهای بزرگی در سنین بالا می گردد. جوانی که 50 کودک را مورد تجاوز سپس قتل قرار داده بود بعد از دستگیری اعلام کرد تصمیم داشتم هزار کودک را اینگونه از بین ببرم زیرا در کودکی بمن تجاوز شد.

کودکان را با عزت نفس باریاورید. برخلاف بعضی کولیا که فرزندان شان را از همان کودکی گدا بار می آورند!

9- از هفت سالگی به بعد باید مراقبت بیشتری از نوجوان بعمل آید زیرا او ساعاتی را از خانواده دور می شود.

امام فرمود: الزمه نفسک سبع سنين ثم ضمّه اليك سبع سنين⁽⁴⁾

دو تا هفت سال از او مراقبت نما!

10- وادار کردن نوجوان به نماز از مهمترین برنامه تربیتی والدین است. که بقدری این مسئله مهم است که پیامبر رحمت فرمود اگر نوجوان بعد از 7 یا 9 سالگی به هیچ وجه حاضر به نماز خواندن نشد او را با تنبیه وادار کنید تا نماز بخواند.

زیرا آنقدر در نماز فوائد است که در این مورد زور و اجبار بلامانع است. البته تنبیهی که به آسیب بدنی و روحی منجر نگردد.

امام ششم علیه السلام : عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه بعدها برایش مقدور شد، عقیقه کند. ⁽¹⁾

امام ششم علیه السلام : عقیقه نوزاد مثل قربانی نیست. لذا هر گوسفندی باشد، خوب است. البته هر چه فربه تر باشد، بهتر است. ⁽²⁾

امام ششم علیه السلام : یکچهارم گوشت عقیقه را به قابله دهند و اگر قابله نبود، به مادر طفل دهند تا به هر که می خواهد، بدهد. و حداقل ده نفر از گوشت عقیقه استفاده نمایند. و اگر بیشتر از ده نفر باشند، بهتر است. ⁽³⁾

از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به و زن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند. ⁽⁴⁾

امام ششم علیه السلام : هر کودک کی در گرو عقیقه است. و عقیقه از قربانی واجب تر است. ⁽⁵⁾

1. بحار ج 81 ص 186 2. بحار ج 42 ص 214 3. وسائل ج 15 ص 203

4. وسائل ج 15 ص 193

عمر بن بزید می گوید: در سن پیری بودم که به امام صادق علیه السلام عرض کردم که: بخدا سوگند! نمی دانم که وقتی متولد شدم، پدرم برایم عقیقه کرد یا خیر؟ امام فرمود: الان برو و برای خودت عقیقه کن! من هم در سن پیری برای خود عقیقه نمودم.⁽⁶⁾
امام ششم علیه السلام: مادر از عقیقه فرزندش نخورد.⁽⁷⁾

آداب مربوط به فرزندان

نام گذاری نیکو، قربانی کردن، تعلیم قرآن کریم، یاد دادن آداب نیکو، کمک به ازدواج فرزندان، تاکید بر نماز خواند فرزندان از جمله حقوق فرزندان بر والدین است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خداوند سبحان به او چهار پسر بدهد و نام برابر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.⁽⁸⁾

امام کاظم علیه السلام: فقر در خانه ای که اسم فرزندان، محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله و یا فاطمه باشد، وارد نمی گردد.⁽⁹⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله: فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنست که در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنست که برای فرزندش نام نیکو بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن کریم را به او تعلیم نماید.⁽¹⁰⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله: اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانایی مخارج ازدواج او را ندارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود، معصیت او را در نامه پدرش می نویسند.⁽¹¹⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله: در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.⁽¹²⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، برتن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود. ⁽¹³⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است. ⁽¹⁴⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد. ⁽¹⁵⁾

1. حلیۃ المتقین - مکارم الاخلاق/226 2. حلیۃ المتقین - مکارم الاخلاق/227

3. مکارم الاخلاق/227 4. مکارم الاخلاق/227 5. الکافی/25/6 6. مکارم الاخلاق/226

7. بحار الانوار/252/10 8. بحار الانوار. 9. الکافی/19/6 10. میزان

الحکمه/3678/4

11. میزان الحکمه. 12. میزان الحکمه - مکارم الاخلاق/222 13. میزان

الحکمه/3669/4

14. میزان الحکمه/3671/4 15. میزان الحکمه/3672/4 16. میزان الحکمه/3672/4

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دختران حسناوند و پسران نعمتند و بر حسنات ثواب داده می شود . ولی از نعمتها سؤال می شود. ⁽¹⁶⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند سبحان دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمایید که حتی در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد. ⁽¹⁾

امام ششم علیه السلام : میراث خداوند سبحان به بنده مؤمنش، فرزند صالحی است که برای پدرش طلب آمرزش کند. ⁽²⁾

در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند. ⁽³⁾

ختان

امام ششم علیه السلام : کسی که ختنه نکرده نباید پیشنمازی مردم را بکند و شهادتش قبول نیست و اگر مُرد بر او نماز نخوانند ! زیرا بزرگترین سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کرده است. ⁽⁴⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر فرزندان تا رادر روز هفتم ختنه کنید، پاکیزه تر است و زودتر زخم آن بهبود می یابد و گوشت می روید.

و فرمود: زمین از بول شخص ختنه نشده تا چهل روز آلوده است. ⁽⁵⁾

چگونه با پدر و مادر و فامیل برخورد نماییم؟

استحکام کانون خانواده ها وابسته به درست برخورد کردن با اعضای خانواده است. کسانی که دستورات بزرگان دین را در این مورد رعایت می کنند معمولاً خانواده های موفق دارند.

پدر و مادر علت ظاهری بدنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند سبحان که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

و از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین نیکی کنند. ⁽⁶⁾

نیکی به پدر و مادر

پدر و مادر علتِ ظاهری بدنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند سبحان که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾⁽⁷⁾

«واز بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین نیکی کنند»⁽⁸⁾

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾⁽⁹⁾

«بگو انفاق آن است که صرف پدر و مادر و فامیل‌های انسان شود.»

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا ﴿٣٦﴾⁽¹⁰⁾

«خدا را عبادت کنید و برایش شریک نگیرید و به والدین نیکی کنید»

«نباید برای خدا شریک بگیرید و باید به پدر و مادر نیکی کنید»⁽¹¹⁾

«ابراهیم گفت: خدای ما! مرا و پدر و مادرم و مؤمنین را بیامرز»⁽¹²⁾

«خدا دستورداد که او را به یگانگی پرستید و به پدر و مادر نیکی نمائید.»⁽¹³⁾

«خدا در مورد یحیی فرمود: او به پدر و مادرش نیکی می‌کرد»⁽¹⁴⁾

«عیسی گفت: من به مادرم نیکی می‌کنم»⁽¹⁵⁾

«ما به انسان وصیت کردیم که به پدر و مادرش نیکی بکند».⁽¹⁶⁾

-
1. میزان الحکمة 3673/4. 2. میزان الحکمة 3671/4. 3. حلیة المتقین - مکارم الاخلاق/ 223. 4. حلیة المتقین - علل الشرایع 327/2. 5. مکارم الاخلاق - الکافی 35/6.
 6. سوره بقره، آیه 83. 7. بقره 8. سوره بقره، آیه 83. 9. سوره بقره، آیه 215.
 10. سوره نساء، آیه 36. 11. سوره انعام، آیه 151. 12. سوره ابراهیم، آیه 41.
 13. سوره اسراء، آیه 23. 14. سوره مریم، آیه 14. 15. سوره مریم، آیه 32.
 16. سوره عنکبوت، آیه 8. 17. سوره لقمان، آیه 14. 18. سوره نوح، آیه 28.

«و آدمی را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم - مادرش او را در ناتوانی حمل کرد و دو سال او را شیر داد- که مرا و پدر و مادرت را شکر نما»⁽¹⁷⁾

«نوح گفت: خدایا! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به خانه‌ام می‌آید را بیامرز»⁽¹⁸⁾

که خداوند سبحان در بعضی از این آیات بعد از توحید، احترام به پدر و مادر را ذکر فرمود.

نیکی به پدر و مادر آثار سازنده‌ای در جامعه دارد. از جمله این آثار میتوان به مستحکم شدن کانون خانواده‌ها و در نتیجه به استحکام جامعه منجر می‌شود، اشاره کرد.

از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده‌ها در سلامت و آرامش خوبی هستند.

همچنین نیکی فرزندان به والدین باعث نیکی فرزندانشان به آنها می شود .

«پیامبر صلی الله علیه و آله : به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم احترام بگذارند»⁽¹⁾

«امام ششم علیه السلام : ای میسر ! اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن.»⁽²⁾

رضایت والدین از فرزندان مؤمن باعث رضایت خدا می شود . و از جمله دعا های مستجاب ، دعای پدر برای فرزند صالح است .

با دعای پدر، علامه شد !

«پدر علامه مجلسی بنام حجة الاسلام محمد تقی مجلسی شبی در سحر مشغول مناجات بود . ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است . بفکر فرو رفت تا چه دعائی بکند . در این حال گریه پسرش محمد باقر بلند شد . پدر دعا کرد که خدایا ! پسر مرا فقیه قرار بده !

این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید.»⁽³⁾

نگاه با محبت به والدین نیز علاوه بر آثار مثبت دنیوی، ثواب اخروی نیز دارد . حتی برای هربار نگاه با محبت به والدین اگرچه بارها تکرار شود ثواب یک حج مستحبی نوشته می شود .

کسی که گناهی مرتکب شود چنانچه پشیمان شده باشد، بهتر است برای مقبول شدن توبه خود، به والدین خود محبت نماید .

همچنین نیکی به والدین باعث تقرب الی الله می گردد .

نیکی به مادر او را هم ردیف موسی علیه السلام کرد

روزی موسی علیه السلام از خدا خواست که همنشین او را در بهشت به او نشان دهد .

خدا به او وحی کرد که همنشین تو در بهشت فلان مرد قصاب است. حضرت موسی علیه السلام سراغ قصاب مذکور رفت و به او گفت که آیا مهمان نمی خواهی؟ قصاب جواب داد چرا می خواهم . او حضرت موسی علیه السلام را بخانه خود برد. حضرت موسی علیه السلام که او را زیر نظر داشت دید که ابتدا از زنبیلی پایین آورد که در آن پیرزنی فروت بود. جوان دست و صورت پیرزن را شست و به او غذا داد . بعد دوباره اورادر زنبیل گذاشته و در حالی که لبهای پیرزن حرکت می کرد، زنبیل را به سقف آویزان کرد . سپس قصاب برای موسی علیه السلام غذا آورد . بعد از صرف غذا، موسی علیه السلام از قصاب پرسید: این پیرزن کیست؟

گفت: مادرم است که چون خدمتکاری ندارم، خودم او را تروخشک می کنم . موسی علیه السلام پرسید: وقتی می خواستی مادرت را در زنبیل بگذاری او چه گفت؟

گفت: هرگاه او را تروخشک می کنم در حق من دعا می کند و می گوید: خداتورا با موسی در بهشت همنشین کند .⁽⁴⁾

بزرگان دین به کسانی که نسبت به والدین خود احترام می گذاشتند، با احترام برخورد می نمودند و نسبت به کسانی که به والدین خود جفا می نمودند، با خشم و یا بی اعتنائی برخورد می کردند .

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او

احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیاده‌تر نیکی می‌کند.⁽⁵⁾

محبت باعث مسلمان شدن

«زکریا که مسیحی بود، مسلمان و شیعه شد. امام صادق علیه‌السلام به او سفارش کرد که اگرچه پدر و مادرش مسیحی هستند ولی احترام به آنها را ترک نکن! وقتی زکریا بیشتر از قبل به پدر و مادرش نیکی می‌کرد، مادرش از این برخورد او خوشحال شد و تمایل پیدا کرد که او هم مسلمان شود. او از پدرش خواست که شهادتین را به او یاد دهد تا او هم اسلام بیاورد. و این چنین بود که با برخورد اسلامی، مادر زکریا اسلام آورد.

امام علیه‌السلام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی برپاهای او کشید و او شفا یافت.⁽⁶⁾

«امام سجاد علیه‌السلام دیدند که نوجوانی بنحوی ادبانه‌ای به پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.»

از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجار شیرازی است. ناگاه صاعقه‌ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملا او را قسم داد. نجار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به زدن و کتک کاری کشید.⁽¹⁾

سفر غیر ضروری فرزند با مخالفت پدر یا مادر ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می‌شود.

1. خانواده نمونه. وسائل الشیعه 356/20. 2. خانواده نمونه. 3. داستانهای از زندگی علما. 4. بحار، ج 74. 5. خانواده نمونه - الکافی 161/2

همچنین با پدر و مادر بلند صحبت کردن بی ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف گفتن، آنها را تحقیر کردن و... در اسلام ممنوع است.

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت امام خمینی رحمه الله رسید و خود جلوتر رفت و دست امام را بوسید سپس پدرش را معرفی کرد. امام امت به او فرمود: چرا جلوتر از پدرت راه رفتی؟»⁽²⁾

توفیق اجباری در نیکی به والدین

«عبید زاکانی از شعرای ایران، چهار پسر داشت که به او که وضع نابسامان مالی داشت، کمک نمی کردند. روزی عبید تصمیمی گرفت و پسرانش را جداگانه خواست و به هر کدام گفت: من خمره طلائی پنهان کرده ام که در نظر دارم بعد از مرگم بتو برسد! پسرها با شنیدن این سخن، رفتارشان با پدر عوض شد و همه روزه برای او آذوقه می آوردند.

عبید تا آخر عمر زندگی خوشی داشت. اما وقتی بعد از مردن عبید به محل خمره رفتند، دیدند که فقط کاغذی در خمره است که بر روی آن نوشته شده است:

خدا داند و من دانم و تو دانی که فلوس هیچ ندارد عبید زاکانی⁽³⁾!

از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند و فرزندان متمکن باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند.

حقوق والدین بر فرزندان فقط مربوط به زمان حیات آنان نمی‌شود و باید بعد از رحلتشان نیز همواره ب فکر آنان بوده و برای ایام برزخ مرتب آذوقه‌های معنوی از قبیل نماز قضاء، صدقات، کارهای خیر بنیت آنان و پاک کردن بدهکاریهای آنان فرستاد.

متأسفانه در فرهنگ ما طوری عمل می‌شود که واجبات فدای مستحبات می‌گردد. کسی که از دنیا می‌رود بجای اینکه واجبات او را که دستش از دنیا کوتاه شده ادا کنند و مخصوصاً حق الناس اگر براوست ادا کنند، ب فکر غذا دادن و گاهی خودنمائی‌های ضرر آور می‌افتند. چندین روز بستگان عزادار میت سفره می‌اندازند و پولهایی که گاهی با عدم رضایت قلبی تهیه شده صرف امری که حتی استحباب آن ثابت نشده می‌نمایند.

گاهی مخارج آنچنان بالاست که تا مدتها زیر بار قرض می‌روند. حال آنکه در سنت اسلام وارد شده که تاسه روز مردم برای تعزیت و تسلیت به دیدن اقوام میت بروند و موقع غذا که می‌شود، همسایگان و فامیلها، برای بستگان درجه اول میت غذا ببرند.

و اگر بخواهند در حق میت خوبی کنند باید ابتدا بدهکاریهای مالی او را پاک کنند. سپس نمازها و روزها و حج‌هایی که بعهده داشته بطریقی ادا نمایند. سپس ارث را طبق شریعت اسلام تقسیم نمایند و اگر می‌خواهند پولی برای او صرف کنند خرج کارهای دائمی مثل چاپ کتب مفید، ساختن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و حوزه علمیه و کتابخانه و ... نمایند.

امام پنجم علیه السلام: سرور و آقای نیکان در قیامت، شخصی است که بعد از رحلت پدر و مادرش، نیز به آنان نیکی کرده است - آنان را فراموش ننموده است -.

«شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: نذر کرده‌ام آستانه بهشت را ببوسم . حال چه کنم؟»

فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی . و اگر از دنیا رفته‌اند، قبر آنان را ببوس .» (خانواده نمونه)

دستور العمل برخورد با والدین

فرزندان باید در مقابل والدین خود اینگونه عمل نمایند تا سعادتمند باشند:

با محبت به آنها نگاه کند .

صدایش را بر آنها بلند ننماید .

حرف آنها را در غیر واجب و حرام، بکار ببندد .

با مخالفت آنها به سفر غیر ضروری نرود .

در رفع احتیاجات آنها بکوشد .

1 . مفاتیح الجنان . 2 . داستانهای شگفت . 3 . خانواده نمونه .

4 . ارزش پدر و مادر .

جلوتر از آنها در کوچه و خیابان گام برندارد .

برای آنها دعا کند و از خداوند سبحان آمرزش آنها را بخواهد .

تا زنده هستند آنها را از خود ناراضی نگرداند و بعد از رحلت آنها همیشه بیاد آنان بوده و برایشان دعا کرده و به نیت آنان کارهای خیر بجا آورد .

با عمل به این سفارشات می توان گفت که از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش خوبی هستند .

مسائل جوانان

جوانان اگر پاکدامنی بورزند اجر شهید دارند. تا چهل سالگی در ثبت اعمال بد به او سخت گیری نمی شود. دلش رقیق بوده وزود شکسته واشگوش سرازیر می گردد وتوبه اش زودتر قبول می شود. علم را زود یاد می گیرد ووابستگی به دنیا کمتر است. پس باید جوانان از این امتیازات خوب استفاده نمایند.

یکی از عوامل موفقیت انسان این است که در زندگی خود راست وصادق باشد. زیرا راستی جزو فطرت است ولی دورو بودن ودروغگو بودن بر خلاف فطرت است وانسانها از افراد دروغگو منزجر و متنفر می باشند. در روایت است هر که زبانش راست وپاک باشد اعمالش هم راست وپاک خواهد بود.

گاهی افراد سؤال می کنند چرا طلاق زیاد شده؟ چرا آمار مجردها زیاد است؟ چرا اختلافات بین زن وشوهر فراوان است؟ باید گفت زیرا ما دستورات شفابخش قرآن واسلام را رها کرده ایم وبه سنتهای غلط روی آورده ایم. اسلام معیار مردخواستگار را تقوا و اخلاق خوب می داند ولی ما خانه وشغل ومادیات. اسلام معیار عروس خانم را پاکدامنی، قناعت، شوهر دوستی وسادگی ومهریه پایین می داند ولی ما زیبایی، جهیزیه زیاد ومسائل دیگری ارزش می دانیم. در حالی که در اسلام چیزی بنام جهیزیه نیست بعضی از دامادها به دختر عیب می گیرند که چرا جهیزیه ات زیاد نبود یا فلان جنس گرانقیمت را نخریدی؟ واز همان ابتدای ازدواج بین خانواده ها دلگیری وناراحتی پدید می آید اگرچه زیاد به روی خود نمی آورند. لذا شما جوانان سعی کنید از سنتهای زیبای اسلام تبعیت کنید

یکی از مرضهای روح وروان خود کم بینی است که انسان خود را دست کم می بیند ودیگران را از خود قدرتمندتر و تواناتر بیندارد. درحالی که همه انسانها استعداد رسیدن به کمال را دارند وهمه

مساوی هستند مگر آنان بیشتر تقوا دارند. و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر بوسیله تقوا. پس کسی از دیگری کمتر و پایین تر نیست. علی ع می فرماید: این جهان عالم صغیر است و انسان عالم کبیر است. وقتی تاریخ را مطالعه می کنیم می بینیم که افرادی بودند که نقص عضو داشته اند ولی با پشتکار و اراده به درجات بالا رسیده و از افراد سالم جلوتر زده اند. کتابی چاپ شده که زندگی افرادی که کور بوده ولی دانشمند شده اند را آورده است. خانمی سراخ داریم که یک دستش در سانحه قطع شده ولی با پشتکار و اراده لیسانس زبان گرفته و با شغل معلمی خانواده ای را اداره می کند. ابابصیر شاگرد دانشمند امام صادق ع کور و نابینا بود. نابینایی است که با موتور از روستای خود به روستای دیگر می رود. افرادی بوده اند که دست نداشته ولی نقاش ماهری شده اند. یا با یک پا به کوهنوردی می روند. چند سال است تیم والیبال معلولان ایران قهرمان دنیا می شود..

یکی از گناهانی که آمرزیده نمی شود خودکشی است. در روایت است که عذاب چهار نفر در جهنم از همه بیشتر است. ابلیس. فرعون. کسی که خودکشی می کند و فرمانروای ستمگر. گناهان دیگر راهی برای توبه دارد ولی خودکشی ندارد. لذا افرادی که مشکلات آنها را محاصره کرده خدای نکرده این مسیر را انتخاب نکنند بلکه با استقامت و صبر و تدبیر و توکل بر خدا و توسل به اهل بیت به زندگی خود ادامه دهند

در مورد ازدواج به ظاهر همسر آینده تان تنها اکتفا نکنید بلکه بدانید گاهی دختر یا پسری پیدا می شود که زیبایی خیره کننده دارد ولی چون تقوا ندارد بعدا مشکلاتی برای خود و شما ایجاد می کند. باید در کنار زیبایی ظاهری، زیبایی باطنی هم باشد

کار خیر شما به والدینتان می رسد چه در زمان حیات و چه بعد از مردن. حضرت عیسی ع رد شد و دید مردی را عذاب می کنند. دفعه بعد دید از عذاب خبری نیست. علت را پرسید گفتند فرزندش کارهای

خیری کرده لذا عذاب را از او برداشتیم. فرزند نمازخوب باقیات صالحات و صدقه جاریه است. و حضور شما در نماز جمعه باعث رحمت والدین شما می شود.

جوان متعهد و متدین می تواند در مقابل حداقل ده نفر از کفار حربی مقابله بکند که ما نمونه این مسئله را در جنگ سی و سه روزه و در جنگ 22 روزه اخیر دیدیم. سربازان دشمن از نظر امکانات و تجهیزات و آموزشها و پشتوانه جهانی قابل مقایسه با جوانان مبارز حماس نبودند ولی دیدیم و جهانیان دیدند و انگشت حیرت به دهان گرفتند که همین جوانان چگونه پوزه دشمن و دماغ دشمن را بر خاک مالیدند و آن را ذلیل کردند. پس همواره با خدا باشیم و از گناهان فاصله بگیریم و به نماز و دستورات الهی اهمیت بدهیم.

جوانان توجه کنند که خرافات در اسلام جایگاهی ندارد. یکی از خرافات رایج در دنیا نحس بودن عدد سیزده است که قبل از انقلاب در ایران رواج داشت ولی بعد از انقلاب کم رنگ شده است. سابقه این کار به یونان قدیم باز می گردد که دوازده خدا داشتند که معتقد بودند مشکلات آنها را حل می کنند تا اینکه خدای سیزدهی پیدا شد و یکی ازخدایان را کشت و برای مردم مشکل ایجاد کرد لذا مردم با او و عدد سیزده بد شدند و این عقیده به کشورهای دیگر منتقل شد. اما در اسلام هیچ روزی نحس نیست و پیامبر فرمود همه روزها مال خداست و با روزها دشمنی نکنید.

مذهب در سلامت روح و روان انسان آنقدر مؤثر است که نمی توان برای آن جایگزینی پیدا کرد. اگرچه بعضی ها برای فرار از مذهب و جایگزینی آن، سراغ موسیقی و یا ورزش و یا جایگزینهای دیگری روند. اما خود می دانند که از داخل تُهی هستند و همیشه احساس نیاز و پوچی در آنها وجود دارد.

آیا میتوان حسّ خداجویی و مناجات با مربّی حقیقی انسانهارا با ساعتی موسیقی و گیتار اشباع نمود؟ کدام نِتِ موسیقی میتواند جای نماز را بگیرد؟ کدام لذّت میتواند جای لذّت معنوی را بگیرد؟ آیا تاکنون با موسیقی کسی به کمالات رسیده است؟

مرزهایی که اسلام برای زن و مرد مشخص کرده به نفع مرد وزن است. گاهی ما دختری را می بینیم که گول خورد و مدتی به پسری دوست شده حالا که ختم به ازدواج نشده پسر دست بر نمی دارد و باج می خواهد و می گوید اگر با من ازدواج نکنی آبرویت را می برم. و دختری باید تاوان رفتار غیر اخلاقی خود را بدهد و مدتها با ترس و اضطراب و گریه بگذراند که عاقبت چه میشود؟ و این ترجمان سخن علی ع است که یکساعت لذت نامشروع یک عمر پشیمانی در پی دارد.

- جوانانی که در دفاع مقدس شهید شدند یکی از خصلت‌هایشان این بود که ارتباط عجیبی با سالار شهیدان داشتند. یکی از آنها در وصیتنامه می نویسد: خدایا هر موقع که واقعه کربلا را بیاد می آورم چشمانم پراز اشک میشود. بیاد رگهای پاره پاره حسین ع می افتم که زین العابدین بران بوسه می زند. بیاد رقیه می افتم که وقتی سر پدرش را می بیند جان می دهد. خدایا ما چنین رهبرانی داشتیم. چطور میشود که راه ایشان را فراموش کنیم و چطور میشود عاشق نباشیم؟ خدایا من عاشق کربلای حسینم. می خواهم در راه کربلا بشهادت برسم. کمکم کن. خدایا تورا طلب کردم تورا یافتم و شناختم. خدایا دوست دارم و بتو عشق می ورزم پس بعهدت وفا کن و مرا بسوی خود بخوان.

برای اینکه افرادی که جزو نخبگان سیاسی هستند را بشناسیم که آیا در مسیر حق هستند یا باطل باید سخنان آنها را در فصول مختلف انقلاب بررسی کنیم. اگر همیشه یک حرف می زدند و تغییری در موضع گیری خود نداشته اند در مسیر درست هستند اما اگر در هر فصلی یک نوع موضع گیری کرده اند اینها باطل هستند. مثلاً آقا چندین جلد درباره ولایت فقیه نوشته ولی بعد از چند سال مخالف ولی

فقیه شده. یا اول دشمن امریکا بوده اما بعدا از امریکا تعریف می کند. اول دوست انقلاب بوده حالا علیه نظام موضع گیری می کند. اینها باطل هستند فقط از روی هوای نفس زندگی می کنند و اظهار نظر می نمایند.

بعضی جوانان قدر اسلام را نمی دانند و گاهی مسائل اسلام را مسخره می کنند. خانمی می گفت که در جشن تولد یکی از اقوام شرکت کردم. چون زن مذهبی بودم وقتی وارد اطاق شدم نوار ترانه را خاموش کردند بعد یکی از دخترها با لحنی مسخره کننده گفت پس دعای کمیل هم بخوانیم! در حالی که همین دعای کمیل و دعاها را دیگر درمان کننده بسیاری از بیماریهای روحی است. در روزهای گذشته خبر مسلمان شدن یکی از خوانندگان معروف رپ فرانسه در رسانه ها انعکاس وسیعی داشت.

مجله فرانسوی "قالا" که اهمیت زیادی به انتشار اخبار مربوط به چهره های سرشناس هنری و موسیقی می دهد، در شماره این هفته خود پس از تأیید خبر مسلمان شدن "دیامز"، به نقل از یکی از نزدیکان این ستاره سرشناس نوشت: به نظر می رسد "دیامز" برای مشکلات روحی و عاطفی خود چیزی را در دین اسلام یافته که در هیچ یک از دیگر ادیان نیافته است

این مجله فرانسوی در ادامه نوشت: "میلانی جورجیادیز" معروف به "دیامز" در چند وقت اخیر و به ویژه پس از شهرت یافتن، دچار مشکلات روحی - روانی و عاطفی بسیار زیادی شده بود و از آن به شدت رنج می برد همین امر موجب شد گوشه گیر شده و کمتر در ملا عام ظاهر شود

دیامز "29 ساله که در سنین کودکی پدر و مادرش از هم جدا شدند، دوران کودکی سختی را سپری کرد. وی در سن 15 سالگی به یک خودکشی ناموفق اقدام ورزید. اما پس از گرویدن به دین مبین اسلام گفت: برای درمان مشکلات روحی - روانی خود به پزشکان زیادی مراجعه کردم ولی هیچ یک از آنان نتوانست مرا درمان کند. راه حل درمان این بیماری را در این دین یافتم. چیزی که دنبالش بودم را در شهرت و ثروت نیافتم، به خدا روی آوردم و آن را نزد خدا یافتم

یکی از موانع ازدواج که باعث آسیب جدی به جوانان مخصوصاً دختران میشود، شرایطی است که گاهی والدین قرار می دهند. مثلاً تا دختر دانشگاه نرفته ازدواج نکند! تا پسر استخدام نشود ازدواج نکند.

در حالی که این شرایط ضروری نیستند و از نظر اسلام هرچه ازدواج زودتر انجام شود به سلامت روحی و دینی جوانان بیشتر کمک می کند و تخریب به این خاطر به صلاح نیست.

عزیز باید بدانند جمهوری اسلامی ایران ویژگیهای قابل توجهی در زمینه جوانان و نوجوانان - که عبارتند از: 1 - وسعت قابل توجه جغرافیایی . 2 - جمعیت نسبتاً زیاد و جوان . 3 اقتصادی دارد فرهنگ غنی موقعیت سوق الجیشی و ممتاز در منطقه . 4 - انرژی بالقوه اسلام و انقلاب . 5 - سابقه ملی .

ایجاد خط مشی های صحیح و سالم در اینها عوامل مهم و پشتوانه های بالقوه برای هر نوع تحول در منطقه به شمار می روند. از سوی دیگر ایران باید در سال 1404 مقام اول اقتصادی و علمی منطقه را کسب کند پس باید تلاش چندبرابر کرد و از لحظات عمر خود در کسب علم و دانش و انواع اطلاعات مختلف و یادگیری حرفه های مختلف دریغ ننمائید و تنها بدنبال کار دولتی نباشید.

یکی از علل مشکلات کشور ما هزینه های سرسام آور اسراف است. سالی 500 میلیارد تومان هزینه آدامس مردم است. سالی سه میلیارد تومان هزینه نوشابه است. بیشترین مصرف سرانه شکر و روغن و برق مال ایران است. کمترین سرانه مطالعه مال ایران است روزانه 18 دقیقه و در کشورهای توسعه یافته 70 برابر ما است.

یک سوم نان و یک پنجم آب در کشور ما هدر می رود. روزانه هنگام سوختگیری 200 هزار لیتر سوخت هدر می رود. که سالی 73 میلیون لیتر می شود. آنوقت از نظر کار مفید در ایران 6 تا 9 ساعت در هفته است و در دنیا 50 الی 70 ساعت در هفته است.

جوانان اگر در ابتدای زندگی ارتباط معنوی با اهل بیت داده باشند مشکلاتشان مرتفع خواهد شد. مشکل ازدواج با پیروی از اهل بیت حل می شود و اینکه الان در این زمینه مشکل داریم چون از اهل بیت در این زمینه تبعیت نمی کنیم. همچنین افرادی که به زبان می گویند همه چیز مان فدای اهل بیت چرا آنهایی که متمکن هستند حاضر نیستند در راه اهل بیت خرج کنند مگر عده کمی. پس ما هم جزو خیرین باشیم.

یکی از وظایف دوست آن است که نگذارد دوستش کاری را انجام دهد که به خطر افتد. مثلاً دوستش می خواهد کارهای خطرناک انجام دهد. باید با نصیحت و سفارش جلو او را بگیرد. نه اینکه او را تشویق کند و زمینه خطر را برای او فراهم کند. اگر می بیند دوستش می خواهد در جایی که خطرناک است و تابلوهای مختلفی نصب کرده اند که شنا در این محل ممنوع است، شنا کند باید هر طور شده مانع او بشوند و نگذارند که خدای ناکرده با شنا کردن، دچار مشکل شود و غرق شود و خانواده خود را عزادار نماید. اگر مانع نشوند و حتی او را تشویق کرده باشند در پیشگاه الهی مسئول خواهند بود.

یکی از عوامل اختلافات بین مردم این است که فلان جوان علاقه مند به ازدواج با دختری است که خانواده اش مخالف هستند. که توصیه ما این است اگر جوان سالمی است و مشکل اخلاقی ندارد خانواده دختر اشکال تراشی نکنند زیرا گاهی با ممانعت خود موجب حوادث تلخی میشوند مثلاً فلان جوان در فلان شهر خودش را دار زده و یادداشتی گذاشته که چون فلان دختر را بمن ندادند من خودکشی کرده ام. از طرفی به جوانان توصیه می کنیم که در خواستگاری عزت خود را از دست ندهند و خود را کوچک و حقیر نکنند. وقتی یکی از مسلمانان صدر اسلام خواستگاری رفت به پدر دختر گفت اگر دخترتان را بمن می دهید الحمد لله. اگر هم نمی دهید الله اکبر. زیرا ازدواج هدف نیست بلکه وسیله است.

یکی از علل معضل ازدواج مانع تراشی اقوام دختر است. وقتی جوانی به خواستگاری می رود گاهی همه موافقند ولی برادرها مخالفند. یا دایی ها مخالفند و دیگر قوام. در حالی که از نظر اسلام فقط

موافقت پدر دختر لازم است. بنابراین اقوام و فامیلها سعی کنند مانع ازدواج دختران جوان نشوند که اگر مانع شوند همه ضررهائی که پیش بیاید گناهش به گردن آنهاست.

در میان مردم ضرب المثل هائی رواج دارد که از یکطرف مردم خیال می کنند عمل به اینها لازم است و گویا خدا فرموده از طرفی عمل به اینها گناه خلاف عقل و شرع است. مثلاً می گویند عیسی به دین خود موسی به دین خود! این خلاف قرآن و اسلام است که می فرماید همه شما نسبت به هم مسئولید و باید امر بمعروف و نهی از منکر کنید. یا می گویند خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو! این هم در اکثر جاها خلاف اسلام است. بنابراین ما نیازی به این ضرب المثل های خلاف عقل و شرع نداریم و ما باید بر مبنای عقل و قرآن عمل کنیم. البته در لرستان ضرب المثل هایی رایج است که واقعاً موافق عقل و قرآن است. که عمل به آنها مفید است. ولی تا قرآن و سنت داریم نیاز به اینگونه ضرب المثلها نیست

هر کسی هر ادعائی کرد نپذیرید و بدانید که هر روز که می گذرد بر تعداد مدعیان دروغین افزوده می شود. در استانی شخصی ادعا کرده من خدا هستم! تعدادی از جوانان ساده دور او جمع شده و براو سجده می کنند. یک نفر نپرسیده که اگر خدا هستی یک هفته نخواب! چند روز نفس نکش! یک مدت غذا نخور! حداقل یک معجزه ای نشان بده!

مسلمان باید زرنگ باشد و کلاه سرش نرود نه اینکه هر آدم کلاهبرداری پیدا شد بتواند سراو کلاه بگذارد.

۱.

دسته ای از جوانان، جوانان عصبانی هستند.

اینان بر اثر شکست های درونی و بی اعتنایی های مردم به توقعات نادرستشان ، همواره ناراضی و خشمگین هستند و همه را بد و فاسد الاخلاق می دانند و اغلب با سرپیچی از آداب و رسوم اجتماعی یا جنگ و ستیز با مردم ، خاطر آشفته خود را آرام و تحقیرها و اهانت های دگران را تلافی می کنند. غافل از آن که با این قبیل اعمال ناپسند، نه تنها شخصیتی کسب نکرده و نقایص خود را جبران ننموده

اند، بلکه یک قدم تازه ای در راه بدبختی خود برداشته و مشکل جدیدی بر مشکلات خویشتن افزوده اند.

(بسیاری از کودکان طبیعی که در میان افراد فاسد و جنایتکار به دنیا می آیند و در چنان محیطی پرورش می یابند، نمی توانند بالاخره با محیط تطابق نمایند و بعدها یا زندان ها را پر می کنند و یا آزادانه به جنایت و دزدی و شرارت ادامه می دهند. اگر راهنمای دلسوزی بتواند روی اینها کار کند آنان که طینت پاک دارند می توانند هدایت شوند و زندگی سعادت‌مندی داشته باشند.

از جمله راههای نجات از دست اعتیاد، دوری از افراد معتاد و افرادی که به هر صورت مواد مصرف می کنند حتی بصورت تفننی، است. یکی از جوانانی که در این شهرستان معتاد شده بود گفت یکی از افراد فامیل که معتاد بود مرا تشویق به مصرف کرد که با اولین مصرف گرفتار شدم. لذا همانطور که از مارکبری فرار می کنید از افراد آلوده به اعتیاد هم فرار کنید.

بعضی از دختران و پسران موقعی که دوران بلوغ را طی می کنند و اندامشان از هر جهت رشد می کند و صورت یک مرد یا یک زن کامل را به خود می گیرند، دچار اشتباه می شوند. گمان می کنند که از هر جهت کامل شده اند و با زنان و مردان جامعه یکسان گشته اند. با خود می گویند: (مگر شخصیت ما با شخصیت بزرگسالان فرق دارد؟ آیا ما با زنان و مردان جامعه مساوی نیستیم؟ آیا نمی توانیم از هر جهت در ردیف آنان قرار گیریم؟ آیا نباید مانند بزرگسالان همه جا اظهار نظر کنیم و از تمام مزایای اجتماعی برخوردار باشیم؟)

گاهی این اندیشه ناصحیح آن چنان در فکرشان قوت می گیرد و دچار افراط و تندروی می شوند که بزرگسالان را مسخره می کنند و با تمام قوا می کوشند تا نظرات خام و ناسنجیده خود را بر آنان تحمیل نمایند و به قبولشان وادار کنند.

اینان ظاهر خود را می بینند و از باطن خویش آگاه نیستند. اینان می بینند که قد و قامتشان به خوبی رشد کرده و اندامشان هم مانند اندام پدران و مادران بزرگ شده است. اینان حس می کنند که تمایل جنسی در مزاجشان بیدار شده و می توانند انتخاب همسر کنند و فرزند بیاورند، ولی از این نکته

اساسی غافل اند که از نظر دینی و علمی ، بلوغ جنسی غیر از بلوغ عقلی است و باید چندین سال از بلوغ جنسی فرزندان بشر بگذرد تا عقلشان به رشد نهایی و بلوغ کامل برسد.
(تنها رشد جنسی بدن کافی نیست . باید فکر و احساسات ما هم دارای رشد کامل و آمادگی شود.
رشد فکری و احساساتی ما مدت ها بعد از رشد بدنی ما صورت می گیرد.)
علی علیه السلام فرموده است : بزرگی اندام و طول قامت برای کسی که روانش از عقل و فکر و تهی است ، فایده ای نخواهد داشت .

:جوانانی که بترسند اگر ازدواج نکنند به حرام و معصیت می افتند ازدواج بر آنها واجب است و اگر به ازدواج اقدام نکنند گناهکار هستند.و مسئله فقر مالی نمی تواند بهانه برای ازدواج نکردن باشد که شخصی نزد پیامبر از مشکلات مالی شکوه کرد حضرت سه بار به او فرمود ازدواج کن تا مشکلات مالی تو برطرف شود.

جوانان بدانند که طبق روایت جوانی بسیار باارزش است لذا علی ع فرمود دوجیز است که تا انسان از دست ندهد متوجه ارزش آن نمی شود. جوانی و سلامتی.
و در روایت است که از سوالات مهم در قیامت این است که جوانی را در چه صرف کردی؟ آن جوانی که چند روز وقت می گذارد و به تهرانی رود تا ببیند استقلال و پیروزی مساوی می شوند یا نه؟ آیا می تواند در قیامت این سوال را که جوانی را در چه راهی صرف کردی جواب دهد؟

خداوند به انسان جان می دهد تا با تلاش و مجاهدت به درجات بالای بندگی برسد. آنوقت دختر یا پسری بخاطر عشق مجازی به یک جوان ، خودکشی می کند و کافر از دنیا می رود. مخصوصا اگر دختر با پسری ازدواج کرده‌مینکه عقد خوانده می شود علاوه بر ایجاد محرمیت، دیگر نباید دختر به فکر گذشته خود یا تعلقاتی که به شخصی داشته باشد فقط باید شوهرداری کند. اگر چه در فرهنگ غرب که به کشور ما هم نفوذ کرده خیانت زن به شوهر امری سهل و آسان است ولی در اسلام گناهی نابخشدنی است.

: رزمندگان جوان اسلام نشان دادند که با جهاد بانفس می توانند به قله های رفیع معنویت و معرفت دست یابند لذا امام امت آنها را تحسین می کردند و می فرمودند:

این مسئله ای که آن اشخاصی که در صدد تهذیب هستند، در صدد ترکیه نفس هستند. پنجاه سال زحمت می کشد، بعد از زحمت های فراوان پنجاه ساله به يك مقامی می رسند و این جوآنها را خدای تبارك و تعالی آن طور در ظرف يك مدت بسیار کم ، متحول کرد به يك مقامی که آن هایی که پنجاه سال زحمت کشیده اند، نرسیده اند به این مقام ؛ نرسیده اند به آن جا که غیر از خدا اصلاً هیچی نخواهند، شهادت را این طور طالب باشند. این طور شهادت را در بگیرند. این يك مسئله مهمی است . ما همیشه باید در نظر داشته باشیم که این مسئله ، مسئله عادی نیست

اگر جوانان يك مقایسه ای بکنند بین شخصیت علی اکبر ع با قهرمانان پوشالی غرب، متوجه میشوند که قابل مقایسه نیستند. علی اکبر ع شهادت طلب، شجاع و دلاور ، پاک، راستگو، بخشنده است ولی قهرمانان فیلمهای جنگی ورز می فقط در استودیو قهرمانند ولی در زندگی خود ، افرادی از نظر اخلاقی دارای مشکل، ترسو، چاخان و فریبکار هستند. جوانان سلحشور ایرانی در دوران دفاع مقدس اگر از قهرمانان فیلمهای جنگی ورز می الگو میگرفتند هرگز پیروز نمی شدند ولی آنها از حماسه عاشورا درس گرفتند و پیروز و جاودانه شدند.

کنترل زبان نقش مهمی در ایجاد دوستی و دوری از اختلاف و دشمنی دارد. هر روز تمامی اعضای بدن در مقابل زبان تعظیم و کرنش می کنند و می گویند از تو می خواهیم مواظب باشی ازیرا اگر تودرست سخن بگوئی. ماهم سالم می مانیم و اگر تو ناروا سخن بگویی ما به دردسر می افتیم.

اگر بخواهیم با مردم ارتباط خوبی برقرار کنیم تلاش کنیم که کنترل زبان خود را در دست داشته باشیم. هر حرفی را نزنیم. هر سخنی را نگوئیم.

: اگر انسان پناهگاهی چون خدا داشته باشد، در هر مشکل وحادثه بدی با تکیه بر خدا و اینکه می داند خدا او را می بیند و کمکش می کند و با تلاش خود، از پس مصیبتها و بلاها بر می آید.

: یکی از مشکلاتی که برای بعضی از جوانان پیش می آید کارهای خودسرانه و خلاف قانون است که انجام می دهند. مثلاً دختری خلاف کرده و برادرانش تصمیم می گیرند خود، او را دادگاهی کرده و مجازات نمایند و این باعث از هم پاشیده شدن کانون خانواده ها می گردد. یا در کرمان باندی از چند نفر جوان گرفتند که افراد خلافکار را می گرفتند و استخاره می کردند اگر خوب می آمد او را می کشتند! و اگر بد می آمد او را بعد از اخطار آزاد می کردند! که این برخلاف اسلام و قرآن است. حدی حق ندارد دیگری را محاکمه و مجازات کند مگر اینکه پرونده قضائی تشکیل و بعد از رای قاضی توسط نیروی انتظامی مجازات شود. لذا باید جوانان مواظب باشند که خودسرانه اقدامی انجام ندهند که باعث خسارت دنیوی و اخروی گردد

در مورد ازدواج دیگر دست دولت نیست بلکه خود مردم هستند که باید یک راه را انتخاب کنند یا راه اهل بیت و راه اسلام و قرآن. که در این راه ازدواج بسیار آسان و بدون هیچ مانعی است. از تشریفات خبری نیست. از سرویس طلا خبری نیست. از غذا دادن به چند هزار نفر خبری نیست. از غذای عروس و داماد که هزینه زیادی را بر خانواده ها تحمیل می کند خبری نیست.

راه دیگر راه فرعون ها و پادشاهان و شاهزاده ها و خان ها و پولدارهاست که ریخت و پاش و اسراف و تبذیر و چشم و هم چشمی و دنیا طلبی در آن وجود دارد که این راه مانع ازدواج خانواده های کم درآمد می شود و اگر ازدواج هم کنند باید چند سال اقساط خرج ازدواج را بدهند.

مسئله مهم دیگر گاهی حوادث تلخی برای جوانان و نوجوانان پیش می آید و قتل و جنایت انجام می گیرد و وقتی این مسائل را ریشه یابی می کنیم می بینیم که ریشه همه این معضلات و حوادث تلخ، به بی نمازی مربوط است. اگر والدین به نماز فرزندان شان توجه داشته باشند و آنها را با نماز بار بیاورند معمولاً از این حوادث مصونیت پیدا می کنند.

مقام معظم رهبری فرموده اند: من دلم می خواهد که جوانها (در نماز جمعه) شرکت کنند، چون معتقدم که نماز جمعه مفید است. در طول هفته یک ساعت را صرف این کار کردن، زمان زیادی نیست. هم عبادت است، هم ذکر الله است، هم شنیدن حرفهای خوب است

راه حل اعتیاد، این بیماری بزرگ قرن ما روی آوردن به خداوند است. با حضور در مساجد و خواندن نماز و درخواست کمک از خداوند می توانیم این مرض را درمان کنیم. والا همه راههایی که تاکنون برای ترک اعتیاد پیشنهاد شده راههای صددرد موفق نبوده و در بعضی از موارد موفق بوده و در اکثر موارد دچار شکست شده است. والدین به فرد معتاد دختر ندهند. والدین مراقب جوانان خودشان باشند مخصوصا نسبت به دوستان فرزندان و نسبت به ساعاتی که دور از خانه هستند حساس باشند و سخت گیری کنند و آنها را به امان خدا رها نکنند. نسبت به نماز خواندن فرزندان مسامحه ننمایند. که از نماز دارویی بهتر برای درمان انواع بیماری های روحی از جمله اعتیاد پیدا نمی شود.

خداوند در قرآن کریم فرموده: ان جائکم فاسق بنبا فتبینوا ان تصیبوا قوما بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین

اگر فاسقی یعنی غیر مؤمنین برای شما خبری نقل کرد همینجوری قبول نکنید بلکه درباره خبر بررسی کنید مبدا مسئله ای پیش بیاید که باعث پشیمانی شود. این آیه برای صحت و سقم اخباری که افراد می گویند معیار بسیار خوبی ارائه می دهد. گاهی افراد منافق یا ضد نظام یا دشمن مسئولین و روحانیت یک شایعه ای را نقل می کنند.. اولین نفری که این شایعه را پخش می کند حتما جزو منافقین است ولی بعد همین مطلب بوسیله گاهی افراد به ظاهر متدین گسترش پیدا می کند. افرادی که این سخنان را برای همدیگر نقل می کنند چند گناه را مرتکب می شوند. یکی اینکه غیبت می کنند. دوم اینکه نقل شایعه می کنند که هر چه مسئولین

تضعیف شوند باعث خوشنودی منافقین و دشمنان نظام خواهد شد. سوم اینکه تهمت می زنند. چهارم اینکه نقل دروغ می کنیم.

لذا مواظب باشیم که زحمت می کشیم و عبادت و اطاعت خدا را بجای آوریم ولی با نقل یک دروغ و تهمت اینها را از دست ندهیم که در حدیث قدسی است که غیبت کننده اگر بدون توبه از دنیا برود اولین فردی است که وارد جهنم می شود و اگر با توبه از دنیا برود آخرین نفری است که وارد بهشت می شود. در روایت است: پیامبر فرمود آدم تهمت زن را در قیامت بر تلی از آتش نگه می دارند. و علی ع فرمود بهتان زدن به مومن از آسمان عظیم تر است!

یکی از سفارشات مهم علامه طباطبائی در هنگام رحلت، سفارش به مراقبت بود. ایشان مرتب می فرمود مراقبه. مراقبه.

اگر مراقبت نداشته باشید زود بدام می افتید. به دام گناه و معصیت. از خلوت با نامحرم پرهیزید. خلوت با نامحرم یعنی مرد وزن در مکانی باشند که دیگری نمی تواند آنجا وارد شود. مثلاً در خانه ای که درش بسته است. در اطاقی که درش بسته است. ولی اگر در اطاق مثلاً اداره ای زن و مردی مشغول کار اداری هستند و در باز است این خلوت با نامحرم نیست. در این مورد ابلیس قسم خورد که اگر این تنهائی با نامحرم اتفاق بیافتد من تلاش بسیاری می کنم که این دو آلوده شوند. بعد که آلوده شدند مسئله خود کشی پیش می آید. مسائل درگیری خانواده ها پیش می آید. این دونفر جایگاه معنوی خود را از دست می دهند. ملائکه از آنها فاصله گرفته و شیاطین نزدیکشان می شوند و همینجور آثار مخرب این گناه، سعادت این دونفر را تهدید می کند. لذا سفارش شده این دعا را زیاد بخوانید اللهم اغننا بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک. خدایا مرا بوسیله حلالت از حرام بی نیاز کن بوسیله طاعتت از معصیت بی نیاز نما.

یکی از کارهای زشت که بعضی از جوانان در عروسی ها انجام می دهند رقصیدن در کوچه و در مقابل چشمان رهگذران و افراد غریبه است. اگر مردی به بهانه عروسی

رقاصی کرد از چشم خدا می افتد! دیگر دعایش مستجاب نیست. حرمتش در نزد خدا
وملائکه از بین می رود. لذا باید مواظبت کنید وافرادی که اینکارها را می کنند
نصیحت کنید.

امام امت یکی از عوامل موفقیتشان در رهبری این بود که انجام تکلیف را هدف می
دانستند. و پیروزی یا شکست برایشان هدف نبود. وقتی که انسان به این حالت برسد که
باید این کار را بکند و اگر این کار را کرد خدا از او راضی است چه شکست بخورد
و چه نخورد! در این صورت دچار اضطراب نمی شود. شما با مطالعه کافی در کنکور
شرکت می کنید چه موفق بشوید و چه نشوید به تکلیف عمل کردید و خدا از شما
راضی است و این بزرگترین پیروزی است. و این باعث آرامش است زیرا
موفقیتها ظاهری برای ما ارزش است ولی ارزش در نزد خدا انجام تکلیف است. البته
باید در هنگام ادای تکلیف یاد خدا را داشته باشیم و باید خداست که انجام هر کار
مشکلی آسان می شود همانطور که پیامبر وقتی علی را به جنگ اجنه کافر فرستاد
فرمود موقع جنگ اسامی خداوند را که علمش بتوداده شده بر زبان جاری کن
تا پیروز شوی.

بعضی ها دینداریشان مشروط است در حالی که باید بدون هیچ شرطی دیندار بوده
و خدا را پرستیم و دستورات او را بجا آوریم. بنده خدائی مراجعه کرد و گفت من دو تا
خواسته دارم اگر خدا اجابت کرد منم او را می پرستم. گویا نفهمیده است که
خداوند از عبادات ما بی نیاز است. همچنین بعضی ها مسجد آمدنشان مشروط است.
این طرز تفکر مربوط به افرادی است که دینشان و دینداریشان ظاهری است و حقیقی
و واقعی نیست و این گونه طرز تفکر از نظر اسلام مردود است و باید مسلمان در همه
ایام و لیالی به مسجد تردد کند و از اجتماع مسلمین به بهانه های مختلف دوری نکند
که اگر از نماز جمعه دوری نماید بردش مهر زده شده و کم کم به نفاق کشانده می
شود. پس جوانان عزیز تلاش کنند از ابتدای زندگی تا آخر عمر هرگز از مسجد
و نماز جمعه دوری نکنند و برای رفتن به نماز جمعه و جماعات هیچ شرطی قائل نشوند.

یکی از خطرانی که مومنین را تهدید می کند از ناحیه منافقین است.. که باید از همان ابتدای جوانی مواظب باشید و از این افراد مریض فاصله بگیرید. فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا {بقره 10}

خداوند در سوره بقره در وصف منافقین می فرماید دل اینها مریض است و خداوند هم بر مرض آنها می افزاید.

منافق کسی است که بر روی عقیده قلبی خود روپوش نهاده و بزبان جوری سخن می گوید و در دل طوری دیگر است قرآن دستور داده از این افراد بر حذر باشید هم العدو و فاحذرهم

علامت منافقین زمان ما آنست وقتی در مجلس حزاللهی ها است به نفع نظام حرف می زند. وقتی هم در مجلس مخالفان نظام است علیه نظام صحبت می کند. و در دل هیچ اعتقادی به نظام و ارزشهای آن ندارد. گاهی بیست سال طول می کشد تا نفاق یکنفر معلوم شود و سران فتنه مصداق منافقین هستند. زیرا بدنبال سقوط نظام اسلامی می باشند.

قرآن از ما سوال کرده آیا کسانی که عمل می کنند با کسانی که عمل نمی کنند برابرند؟ مگر خداوند عادل نیست پس چگونه ممکن است بین کسانی که نماز می خوانند با آنهایی که نمی خوانند فرقی نگذارد! حتما فرق است. کسی که در گرمای تابستان برای خدا روزه می گیرد با کسی که می خورد و اعتنائی به روزه ندارد یکی نیستند. کسیکه مرتب مسجد می آید با کسی که در عمرش برای نماز جماعت مسجد نیامده یا نماز جمعه نیامده مساوی نیستند. کسی که قسمتی از پولهایش را در راه خیر صرف می کند با کسی که پولها را در بانکها انبار کرده و حاضر نیست کار خیری انجام بدهد مساوی نیست. دختری که در تمام عمر حجاب و عفاف را رعایت کرده با کسی که اهمیتی به این مسئله نمی دهد برابر نیست.

: باید جوانان در زندگی خود میانه روی را رعایت کنند مخصوصا
در امور سیاسی. و اگر اینگونه باشند کار نادرستی از آنها معمولاً سر نمی زند ولی اگر
افراطی باشند. تند باشند گاه یک کارهایی را می کنند که یقیناً خلاف اسلام و مخالف
دستورات الهی است. لذا در مسائل مختلف مخصوصاً مسائل سیاسی تابع مراجع
و علمای ربانی باشیم و زیاده روی نکنیم که در اینصورت نمی توانیم جزو حزب الله
باشیم.

یکی از راههای نجات آنست که اگر انحرافی از دوستانمان دیدیم با آنها قطع رابطه
کنیم. وقتی امام صادق ع شنیدند که یکی از مریدانشان به خدمتکارش فحاشی می
کند با او قطع رابطه کردند. لذا با افراد غیبت کننده یا ناسزاگو یا دارای مشکل
اخلاقی معاشرت نکنید تا از آثار سوء در امان بمانید.

چرا حضرت ابوالفضل ع به این مقام بالا رسید؟ از کجا حضرت عباس ع به این
درجات دست پیدا کرد که بعد از 1300 سال عاشقانش هر سال از سال قبل بیشتر
می شود؟ نامش در جهان با عظمت یاد می شود.
علت آن را امام صادق اینطور فرموده: عبد صالح بود. مطیع ولایت بود- هیچ سستی و
کوتاهی در دفاع از ولایت نکرد- وفادار بود- دریاری امام همه گونه سختی را تحمل
کرد- بالاترین مجاهدت را انجام داد
در دفاع مقدس جوانانی بودند که دارای فضائل اخلاقی بالائی بودند آنها هم به
مقامات معنوی بالائی دست پیدا کردند. پس با شهوت رانی و لذات جسمی و دنیوی
نمی توان جزو خوبان بود بلکه با تقوا و داشتن فضائل اخلاقی است که می توان جزو
ابرار و خوبان بود.

سال گذشته در گزارش کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
ضمن هشدار نسبت به گسترش پدیده تنبلی در میان ایرانیان آمده بود: «نتایج تحقیق

تطبیقی نشان می‌دهد که میزان تنبلی ایرانیان از متوسط جهانی بیشتر است و تنها کشورهای عربی و آفریقایی هستند که بیش از ایرانیان دچار تنبلی هستند.»

این گزارش «تنبلی اجتماعی» را یکی از مهمترین ویژگی‌های رفتاری ناپسند ایرانیان دانسته و افزوده است: «این مسأله به ویژه در عدم تمایل به درس خواندن در مدارس و دانشگاه‌ها و در کار اداری کارمندان و در میزان بالای تماشای تلویزیون در ایران به جای کتابخوانی و در تمایل زیاد به استخدام در دستگاه‌های دولتی و عدم تمایل برای کسب تخصص و مهارت و کارآفرینی و نیز در وجود تعطیلی فراوان سالانه و در پدیده‌ای به نام بین‌التعطیلین و در موارد فراوان دیگر به چشم می‌خورد...»

تحقیقات مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که مردان ایرانی روزانه به طور متوسط دو ساعت و 18 دقیقه و زنان 21 دقیقه به فعالیت‌های شغلی و کار مفید می‌پردازند. این در حالی است که در جهان پیشرفته با عنایت بیشتر به نقش راهبردی نیروی انسانی و اهتمام به کار و تولید، مفهوم فرهنگ کار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای نمونه متوسط ساعت کاری مفید در ژاپن بیش از 8 ساعت در روز می‌باشد بنابراین باید همه اقشار بخصوص جوانان به درمان این بیماری تنبلی بپردازند تا بتوانیم عقب ماندگی راجبران نمائیم.

یکی از سرگرمیهای مخرب موسیقی است. لذا بزرگان دین از موسیقی مذمت می‌کردند و با افراد نوازنده برخورد می‌نمودند. حضرت امیر دیدند که جوانی طنبور می‌زند. امام جلو او را گرفتند و طنبورش را شکستند و به او گفتند می‌دانی وقتی کسی طنبور می‌زند طنبور با صدایش چه می‌گوید؟ گفت نه. فرمود می‌گوید: ستندم ستندم یا صاحبی ستدخل جهنم یا ضاربی!

ای صاحبم بزودی پشیمان می‌شود. وای زننده من بزودی وارد جهنم می‌گردد!

: بیش از هزار سال قبل، پیامبر اسلام فرمودند:

سیاتی زمان علی امتی یا کلون شیئا اسمه بنج انا بری ء منهم وهم بریئون منی!

سَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَ لَا تَاْكُلُوا عَلَى الْبَنَجِ!
زمانی بر امت من خواهد آمد که عده ای چیزی به نام بنگ {حشیش} می
خورند! من از این افراد بیزارم و آنها هم از من دورند.
بر یهودی و مسیحی سلام بکنید ولی بر کسیکه بنگ می خورد سلام ننمائید! {مجله
مبلغان}

همچنین فتاوی علمای شیعه بر حرمت استعمال و معامله مواد مخدر می باشد.

یکی از آسیبهای خانواده اختلاط در مهمانیهاست
فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. چنین زندگی ای با
خوشبختی ادامه می یابد و می تواند به درستی و با رعایت موازین عقلی بچرخد و
حرکت کند و به پیش برود. اما اختلاط نامحرمان برای حفظ عفت جامعه زیانبار و به
خصوص برای خانواده از همه چیز بدتر است. این، بنیان خانواده را متزلزل می کند.

خداوند در سوره نسا می فرماید که با کفار دوستی نکنید و آنها را دوست خود قرار
ندهید. مصداق این آیه کسانی هستند که محبت امریکا و غرب را در دل دارند. یا
جوانانی که به هنرپیشه خارجی یا فوتبالیست خارجی علاقه مند شده و عکسش را بر
در و دیوار اطاقشان زده اند. وجود عکس کفار در منزل برکت را از خانه می
برد. بجای عکس این افراد کافر و بی دین، عکس داشمندان و بزرگان ایران را بزنید.

یکی از علامتهای فرهنگ غرب تشبه زن به مرد یا مرد به زن است. یعنی پسر آرایش
زنانه کند یا لباس زنانه بپوشد یا دختر خود را مثل پسر کند و لباس پسرهارا بپوشد. اما
در اسلام این کار زشت است لذا پیامبر فرمود خدا لعنت کند مردانی را که خود را
شبه زن کنند و زنانی را که خود را شبیه مرد کنند.
و خود پیامبر از این کار جلوگیری می کرد.

یکی از بیماریهای خطرناک در دوران جوانی بیماری وسواس است. وسواس یعنی کاسه از آش داغتر بودن. اسلام می گوید نماز درست است ولی وسواسی می گوید باطل است. اسلام می گوید وضویت درست است ولی وسواسی می گوید باطل است. راه معالجه وسواس آنست که به رساله مرجع تقلید عمل کنیم نه رساله خودمان.

:از تاکیداتی که آیه الله بهجت به جوانان داشتند اینکه سیروسلوک و عرفان، همان نماز و انجام واجبات و ترک محرمات است.

وقتی از ایشان پرسیدند چرا بعضی امام زمان را زیارت می کنند ولی ما نمی توانیم؟ فرمودند ترک واجبات و ارتکاب محرمات حجاب و نقاب بین ما و حضرت است. وقتی از ایشان پرسیدند کسی که بخواهد در معنویات به مقامات عالی برسد چه کند؟ به نماز اول وقت و ترک محرمات و خواندن معراج الساعده و عمل به آن اشاره فرمودند.

به بعضی از جوانان وقتی عروسی می کنند از مراسم عروسی خود فیلمبرداری می نمایند. متأسفانه افراد سودجو با ترندهایی فیلم اینگونه عروسی ها را گیر آورده و در شهرهای بزرگ بفروش می رسانند. از نظر شرعی چنانچه احتمال لو رفتن فیلم برود اشکال دارد و افرادی هم که این فیلمها را می خرند حق نگاه کردن ندارند. غیرت مرد اجازه اینجور کارها نمی دهد.

:حضرت فاطمه س، نوری است که جوانان مخصوصاً دوشیزگان میتوانند در پرتو این نور همیشه با ولایت باشند. کسیکه محبت زهرا و ولایت زهرا را دارد مورد توجه امام زمان قرار می گیرد که حضرتش در دیدار با یکی از علما وقتی عالم پرسید چه دعائی بترین دعا در قنوت است فرمود اللهم انی اسئلك بحق فاطمه وایها وبعلمها وبنیه وسرالمستودع فیها ان تصلى علی محمد و آل محمد وان تفعل بی ما انت اهلہ ولا تفعل بی ما انا اهلہ برحمتک یا ارحم الراحمین.

و مورد توجه همه امامان است. و مورد توجه خدا است که فرمودند خدا با بخاطر خوشحالی فاطمه خوشحال می شود و با غضب او غضبناک می گردد پس اگر فاطمه را از خود راضی کردیم خدا را هم راضی نموده ایم.

یکی از خصلتهای خوب و پسندیده شکر گزار بودن از نعمتهای خداست که بعضی دارای این خصلت هستند وقتی از آنها حالشان را می پرسی می گویند الحمدلله مشکلی نداریم. ولی متأسفانه بعضی از افراد هر قدر خدا به آنها نعمت می دهد اما مرتب نق می زنند و از بدهکاری و ورشکستگی و گرانی و مشکلات حرف می زنند. که جوانان عزیز تلاش کنند جزو دسته دوم نباشند که خدا فرمود و اما بنعمت ربک فحدث.

یکی از مهارتهای زندگی مهارت نه گفتن است. باید به همه پیشنهادهای خلاف نه گفت و این جرات را والدین و بزرگترها به فرزندان بیاموزند.

یکی از علل انحراف در بینش سیاسی جوانان، گوش دادن به رسانه های بیگانه است. افرادی هستند که اخبار و اطلاعات رسانه های وابسته به استکبار را درست می دانند و گوش به حرف آنان می نمایند در حالی که بر کسی پوشیده نیست که بی بی سی رسانه انگلیسی است که چندین قرن استعمارگر بوده و الان هم همان خوی استکباری را دارد. چگونه می توان انتظار داشت به نفع مستضعفین و مظلومین سخن بگوید؟

در مورد ورزش باید اعتدال را رعایت کرد. ورزش می تواند عامل سلامتی و نشاط افراد و جامعه باشد بشرط اینکه غربی نباشد. چرا تیم ملی فوتبال به جام جهانی راه پیدا نکرد؟ شاید جوابهایی را که ظاهر مسئله را بیان می کند بگویند ولی من علت اصلی شکست را نبود فرهنگ بسیجی در ورزش کشور مخصوصاً فوتبال می دانم. اگر ورزشکاران ما بخواهند به میدانهای جهانی بروند فقط از راه بسیجی شدن است. و داشتن خصلتهای بسیجی همچون صداقت، شجاعت، داشتن معنویت و نورانیت.

لذا می بینیم عزیزی که قهرمان می شوند معمولا با توسل به اهل بیت و داشتن خصلتهای بسیجی است که موفق می شوند.

: استفاده از وقت و هدر ندادن وقت با کوچه و خیابان گردی و نشستن پای فوتبال بیش از اندازه و برای ساعتهای بیداری برنامه داشتن از عوامل موفقیت جوانان است.

درباره نظر سنجی از جوانان تهران در مورد مسائل مختلف هفته قبل یکی از نکات مثبت جوانان ایرانی را گفتیم که 93 درصد جوانان به خدا معتقدند. در حالی که در ژاپن فقط 38 درصد به خدا معتقدند لذا آمار خود کشی بالایی دارند.

اما در بین 373 سارق دستگیر شده در شیراز غالبا بین 20 تا 30 سالگی قرار دارند.

در یکی از استانها 87 درصد سرقت ها توسط گروه سنی نوجوانان و جوانان صورت گرفته است.

در روسیه 80 درصد مجرمان و سارقین زیر 25 سال هستند که در امریکا 75 درصد مجرمین زیر 25 سال هستند.

در مصر 72 درصد دزدها نماز نمی خوانند و در تحقیق دیگر در مصر فقط دودرصد جوانان مجرم نماز می خواندند.

و این نشان می دهد که سن نوجوانی و جوانی از 15 سال تا 25 سال که انسان پخته می شود باید بیشتر مراقب باشد و از دوستان ناباب و مجالس گناه و امثال آن دوری نمایند و به معنویات بیشتر توجه کنند.

کار خیر شما به والدینتان می رسد چه در زمان حیات و چه بعد از مردن. حضرت عیسی ع رد شد و دید مردی را عذاب می کنند. دفعه بعد دید از عذاب خبری نیست. علت را پرسید گفتند فرزندش کارهای خیری کرده لذا عذاب را از او برداشتیم. فرزند نماز خوب باقیات صالحات و صدقه جاریه است. و حضور شما در نماز جمعه باعث رحمت والدین شما می شود.

اسماعیل نبی سیزده سال بیشتر نداشت ولی وقتی پدرش به او گفت که خدا دستور داده تو را قربانی کنم! گفت یا ابت افعل ما تومر ستجدنی انشاءالله من الصابرين

این عرفن و شناخت خدا و اطاعت از او باعث شد که خداوند نسل پیامبر اسلام را از او قرار داد و او از آزمون الهی پیروز بیرون آمد.

خداوند در انسان استعداد های مختلفی قرار داده که متاسفانه اکثر افراد فقط از 15 درصد آن بهره می بریم و اگر از بیست درصد بهره ببرید نابغه خواهید بود و اگر از سی درصد بهره ببرید قهرمانان بزرگی خواهید بود.

یکی از عوامل دیر ازدواج کردن، ترس از مشکلات است. در حالی که در مقابله با مشکلات است که استعداد ها شکوفا می گردد و انسان مقاوم می شود. امام می فرمود اگر می خواهید مشکل نداشته باشید به قبرستان بروید. لذا باید این ترس را کنار گذاشت و به این سنت عمل کرد.

در مورد نسیب های ناروائی است که در اثر بی مبالائی در رفت و آمدها یا رفتار های سبک و حرکات مشکوک و ارتباط با افراد ناباب به جوانان مخصوصا دختران داده می شود. در ضرب المثل است که تا نباشد چیز کی مردم نگویند چیزها! غالبا زمینه تهمت را خود افراد فراهم می کنند. لذا علی ع فرمود هر که خود را در محل تهمت قرار دهد فقط خود را سرزنش نماید.

این اخباری که در روزنامه ها در مورد مثلا کشته شدن دختر بدست پدر بر اثر شک. یا زنده بگور کردن دختر توسط پدر و امثال این اخبار است یک مقدارش به رعایت نکردن خود فرزند بر می گردد. پس از کارهایی که باعث سوء ظن می شود مانند تنها شدن با نامحرم، صحبت تلفنی با غریبه ها، نامه نویسی به نامحرمان، دیر به منزل آمدن، پوشیدن لباس های سبک و نامناسب. باید دوری نمود.

در مورد ازدواج به ظاهر همسر آینده تان تنها اکتفا نکنید بلکه بدانید گاهی دختر یا پسری پیدا می شود که زیبایی خیره کننده دارد ولی چون تقوا ندارد بعداً مشکلاتی برای خود و شما ایجاد می کند. باید در کنار زیبایی ظاهری، زیبایی باطنی هم باشد.

چون یکی از عوامل انحراف، مال حرام است لذا جوانان تلاش کنند از مال حرام فاصله بگیرند مثلاً کسی که از راه تقلب مدرک گرفته استخدامش مشکل دارد.

چشم چرانی

اگر زن و مرد بتوانند کنترل چشم خود را بطور صد در صد در اختیار داشته باشند، از بسیاری از گناهان و انحرافات مصون می مانند. لذا خداوند فرموده است:

«به مردان مؤمن بگو که چشمان خود را بپوشانند و اندامهای خود را از حرام حفظ کنند که این برایشان پاکیزه تر است. و به زنان مؤمنه بگو که چشمهای خود را بپوشانند و اندامهای خود را از ناروا حفظ نمایند.» (نور 31)

در حدیث از پیامبر 6 است که فرمود:

«لکل عضو من ابن آدم حظٌّ من الزنا فالعين زناه النظر» (فرشته زمینی)

«هر یک از اعضای فرزندان آدم حظ و بهره ای از زنا دارد که زنان دو چشم نگاه کردن است.»

ز دست دیده و دل هر دو فریادهر آنچه دیده بینه دل کنه یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولادزخم بر دیده تا دل گردد آزاد

رسول خدا 6 فرمود:

«نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است.» (فرشته زمینی)

پیامبر 6 فرمود:

«اگر از آسمان بیفتم و دو نیم شوم برایم بهتر است که به عورت شخصی نگاه کنم یا شخصی به عورت من نظر نماید!».

(فرشته زمینی)

«امام صادق (ع): اگر شخصی چشمش به زنی نامحرم بیافتد و از او چشم بردارد و به آسمان نظر کند و یا چشم خود را ببندد، هنوز چشم برهم نزده که خداوند حورالعینی به او تزویج کند.» (فرشته زمینی)

باتوجه به اینکه هر انسان سالمی دارای دو نیروی عظیم عقل و احساس است، در جوانان معمولاً احساسات در کمال قدرت و نیرو، و عقل در حال ضعف و ناتوانی است (بغیر از موارد استثنائی) لذا می بینی تصمیمات و کارهایشان گاهی نامعقول و نپخته است و مخصوصاً در حال عصبانیت کارهای

ناروا و اعمال خطرناك انجام می دهند. اینجاست که جوان سعادتمند کسی است که با توجه به ضعف عقل جوانی، خود را بشناسد و در کارهای مهم از نصیحت افراد عاقل و خیرخواه پیروی نماید و از برنامه های صحیح تربیتی و دینی تبعیت کند.

هر چقدر از عمر جوانی بیشتر می گذرد و فاصله جوان از دوره بحران بلوغ، افزایش می یابد، طوفان احساسات به همان نسبت فروکش می کند و بی نظمی های روانی تقلیل می یابد و جوان از نظر عقلی، پخته می شود و اخلاقش عادی می گردد. البته این تغییرات در افراد مختلف است. زیرا افراد فقیر و دارای زندگانی سخت، در حدود 18 سالگی به مرحله پختگی می رسند ولی افراد ثروتمند و مرفه، در 22 یا 23 سالگی هنوز مرد نشده اند! رشد عقلی تا 35 الی 40 ادامه دارد و رشد جسمی تا 26 سالگی به نهایت خود می رسد. ولی بلوغ جنسی و دایره شهوات در 32 سالگی به اوج خود می رسد. در این سن، هم بقدر کافی از شهوات سالهای جوانی در اوست و هم تجربه وسیع و فهم پخته ای در اختیار دارد. معمولاً سن جوانی سن تعیین کننده سعادت یا شقاوت اوست. یا راه خدا را بر می گزیند و یا راه شیطان را. در چهل سالگی اگر راه خدا را انتخاب کرده بود که ابلیس از او مایوس می شود و اگر تا آن موقع هنوز گرفتار نفس اماره بوده ابلیس بر پیشانی او بوسه می زند و می گوید تودیکر آدم بشو نیستی.

یکی از خصلتهای خوب و پسندیده شکر گزار بودن از نعمتهای خداست که بعضی دارای این خصلت هستند وقتی از آنها حالشان را می پرسی می گویند الحمد لله مشکلی نداریم. ولی متأسفانه بعضی از افراد هر چقدر خدا به آنها نعمت می دهد اما مرتب نق می زنند و از بدهکاری و ورشکستگی و گرانی و مشکلات حرف می زنند.

که جوانان عزیز تلاش کنند جزو دسته دوم نباشند که خدا فرمود و اما بنعمت ربك فحدث.

کانونهای فساد

جشن ها و مهمانی های آلوده از مقدمات ارتباطات نامشروع است. مخصوصاً در میان طبقات هنرمندان و ورزشکاران که به بهانه های موفقیت آنها در فلان بازی، مجالس مختلط برپا می شود و این افراد هم چون بنیه مذهبی شان ضعیف بوده و ارتباطشان با مسجد و نماز و معنویات کم است، زودتر بدام افراد منحرف می افتند. همانگونه در خبرها بود که چندین نفر از اعضای تیم ملی فوتبال و بعضی از هنرپیشگان مشهور و بعضی از هنرمندان سیما، در محافل فساد دستگیر شدند.

افرادی که می‌خواهند پاک زندگی کنند نباید به این مجالس بروند و باید پای خود را بر این محافل ببندند و شرکت در این کانونها را بر خود حرام نمایند تا از آثار مخرب آن وعواقب بعدیش دور بمانند.

کانونهای فساد

جشن‌ها و مهمانی‌های آلوده از مقدمات ارتباطات نامشروع است. مخصوصاً در میان طبقات هنرمندان و ورزشکاران که به بهانه‌های موفقیت آنها در فلان بازی، مجالس مختلط برپا می‌شود و این افراد هم‌چون بنیه مذهبی شان ضعیف بوده و ارتباطشان با مسجد و نماز و معنویات کم است، زودتر بدام افراد منحرف می‌افتند. همانگونه در خبرها بود که چندین نفر از اعضای تیم ملی فوتبال و بعضی از هنرپیشگان مشهور و بعضی از هنرمندان سیما، در محافل فساد دستگیر شدند.

افرادی که می‌خواهند پاک زندگی کنند نباید به این مجالس بروند و باید پای خود را بر این محافل ببندند و شرکت در این کانونها را بر خود حرام نمایند تا از آثار مخرب آن وعواقب بعدیش دور بمانند.

ترک ازدواج

عده‌ای از افراد فقط بدنبال آزادی جنسی می‌باشند و ازدواج باعث مقید شدن آنان می‌گردد، لذا این عده بخاطر محدود نشدنشان از ازدواج خود داری می‌کنند، با اینکه برخلاف اکثر دختران و پسران ایرانی که بخاطر مشکلات اقتصادی نمی‌توانند ازدواج نمایند، عده مذکور از امکانات مادی بالا هم برخوردار می‌باشند ولی چون تابع تمدن غرب هستند و در غرب هم بسیاری از مردان و زنان بدون ازدواج زندگی می‌کنند و نیازهای جنسی خود را بدون ازدواج اطفال می‌نمایند، این افراد هم می‌خواهند از الگوهای منحرف خود تبعیت کرده لذا ازدواج نمی‌کنند و با ارتباطات نامشروع هم خود و هم دیگران را به انحراف می‌کشانند.

«پیامبر اسلام (ص): بدترین مردان شما، عزبانند (مجردان)!»

«امام محمد باقر (ع): دوست ندارم که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم ولی یکشب بی همسر

بخوابم.»

زینت و آرایش زن

اگر چه خود آرایشی غریزه طبیعی زن و مرد است ولی این غریزه در زن بیشتر است و دوست دارد که زیبایی او مورد توجه قرار گیرد. آثار این غریزه را می‌توان در آراستن لباس، آرایش مو، انتخاب لباسهای نازک و رنگهای مهیج و غیره مشاهده نمود. از نظر اسلام زینت و تجمل زن باید فقط برای شوهرش باشد. او در مقابل شوهرش می‌تواند زیباترین لباس و غلیظ‌ترین آرایش را بکار برد و هر دفعه از نوعی زینت و خودنمایی استفاده نماید. حتی می‌تواند خود را در مقابل او برهنه کند. برای شوهرش برقصد و... و در این راه محدودیتی وجود ندارد و اما آرایش و زینت برای غیر شوهر مخصوصاً در خارج از خانه، برای او حرام و ممنوع می‌باشد.

در حدیث نبوی است که در معراج وقتی پیغمبر 6 از جهنم دیدار کرد، افرادی را دید که معذبند از جمله فرمود:

«زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد. از جبرئیل در باره او سؤال کردم. فرمود: او در دنیا خود را برای دیگران آرایش می نموده است. زنی را دیدم که گوشت بدنش را می پرید! فرمود: او زنی بود که خود را به مردان عرضه می کرد.» (فرشته زمینی)

همچنین در روایات از اینکه زن عطر زده از خانه خارج شود، منع شده است از جمله پیغمبر اکرم 6 فرمود:

«هر زنی که عطر بزند و از خانه خارج بشود، تا زمانی که برگردد در لعن ملائکه خواهد بود.» (فرشته زمینی)

تماس بدنی با نامحرم

کنار نامحرم نشستن مانند اینکه در تاکسی و امثال آن تماس بدنی ایجاد شود و یا دست دادن با نامحرم مقدمه ای برای وارد شدن به زنا و امثال آن می شود.

جلوگیری از لمس اندام نامحرم و دست دادن به یکدیگر یکی از راه های پیشگیری از آلوده شدن به منجلاب شهوت رانی اجتناب از هرگونه لمس اندام نامحرم و دست دادن به یکدیگر است که در حرمت آن هیچ گونه اختلافی بین علمای اسلام نیست. ابی بصیر عن ابی عبد الله (علیه السلام). قال قلت له هل يصفح الرجل المرأة ليست بذات محرم؟! فقال (علیه السلام): لا الا من وراء الثوب (1)، ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرده اند که: آیا دست دادن مرد به زن نامحرم جایز است، فرمود جایز نیست مگر از روی لباس. تردیدی نیست که در اثر لمس اندام نامحرم و اتحاد حرارت بدن مرد وزن بیگانه، زمینه برای روحیه شهوت رانی و روابط نامشروع فراهم می گردد

قال علی (علیه السلام): "ما المجاهد الشهيد في سبيل الله بأعظم أجرا ممن قدر فعف. لكاد العفيف ان يكون ملكا من الملائكة. (2)، رزمنده ای که در راه خدا به شهادت برسد اجرش بیشتر از کسی که قدرت بر گناه پیدا کند و با عفت نفس از آن دوری کند نخواهد بود، عفيف و نزدیک است فرشته ای از فرشتگان شود. سعدی می گوید: اگر لذت ترک لذت بدانی * دگر لذت نفس لذت نخوانی

سفرهای علوی کند مرغ روح * گر از چنبر آز بازش رهانی تو این صورت خود چنان می پرستی *

که تا زنده ای ره به معنی ندانی؟ هزاران در از خلق بر خود ببندی * گرت باز باشد در آسمانی چنان

میروی ساکن و خواب در سر * که می ترسم از کاروان باز مانی 7 - قال الصادق (علیه السلام): "خف الله كانك تراه وان لم تكن تراه فانه يراك" از خدا پروا کن گویا او را می بینی، و هر گاه به این مقام نیستی بی شک او تو را می بیند (3)

1. غررالحکم / 255. 2. نهج البلاغه سخن 482. 3. اختیار رجال کشی، شرح حال اسحاق بن عمار

پایان

منابع:

زن وعدالت اجتماعی آیه الله هاشمی رفسنجانی

رسائل حجابیه رسول جعفریان

بحار الانوار علامه مجلسی

ارزش پدر و مادر اسماعیل گوهری

میزان الحکمة محمدی ری شهری

مکارم الاخلاق طبرسی

حلیة المتقین علامه مجلسی

الگوهای تربیت محمد علی کریمی نیا

زنان مرد آفرین محمدی اشتهاردی

فرشته زمینی زهرا صرفی

خانواده نمونه محمدتقی صرفی پور